

## علیرغم حذف گسترده کاندیداهای غیرحکومتی و اصلاح طلب مردم مصمم اند مجلس را از چنگ مر تجعین بیرون بکشند



کمتر از ده روز دیگر انتخابات مجلس ششم برگزار می‌شود. حذف کاندیداهای سرشناس بیرون حکومت و جناح رادیکال اصلاح طلبان باعث آن نشده است که مردم برای بیرون کشیدن کنترل مجلس از چنگ محافظه کاران دلسرد شوند. ایران لحظات پرتلاطم و پرهیجانی را می‌گذراند. انتخابات بیست و نه بهمن می‌تواند نقطه عطفی در مبارزه حاد و سرنوشت سازی باشد که دو سال و نیم است بین محافظه کاران و مر تجعین از یکسو و اصلاح طلبان و دموکرات‌ها از سوی دیگر، لحظه به لحظه جریان داشته است. آثار التهاب و هیجان فتح کرسی‌های مجلس که روز سه روز اوج می‌گیرد در چهره شهرها، خیابان‌ها، مطبوعات، در تبلیغات گروه‌ها و سخنرانی کسانی که از تیغ تصفیه شورای نگهبان گذشته و به میدان «رقابت» راه یافته‌اند، بازتاب دارد. در خیابان‌های تهران و شهرهای مهم، پلاکاردها و تابلوهای پارچه‌ای بزرگ از فرا رسیدن روز ۲۹ بهمن و «لحظه» انتخاب مردم خبر می‌دهند و مردم را به شرکت در انتخابات دعوت می‌کنند.

در این رقابت، جای بسیاری از احزاب، سازمان‌ها و گروه‌هایی که سال‌ها برای دموکراسی و تامین حق رای مردم مبارزه کرده‌اند، خالی است. ادامه در صفحه ۵

تهران و شهرهای بزرگ را تب انتخابات فرا گرفته است. در دیوار خیابان‌ها را تابلوهای تبلیغاتی احزاب مجاز پوشانده است. این عکس، تابلوهای چند حزب عمده شرکت کننده در انتخابات و شعارهای آن‌ها را نشان می‌دهد. هر چند با حذف بسیاری از کاندیدها، به جای مردم تصمیم گرفته‌اند و با ممنوعیت فعالیت آزادانه احزاب، بسیاری از گرایش‌های سیاسی و در واقع بخشی از نمایندگان مردم را حذف کرده‌اند، اما توده‌های وسیع مردم مصمم‌اند که بر حاکمیت محافظه کاران بر مجلس نقطه پایان بگذارند. روز ۲۹ بهمن ماه، با حضور گسترده میلیون‌ها نفر از مردم شکست بزرگ دیگری برای دشمنان آزادی رقم خواهد خورد!

## کاخ ریاست جمهوری در تهران با خمپاره مورد حمله قرار گرفت

در حالی که مجاهدین خلق مسئولیت انفجارهای اخیر در تهران را برعهده گرفته‌اند، بسیاری از آگاهان سیاسی معتقدند حوادث اخیر در قم، فعال شدن مجدد گروه فدائیان اسلام ناب محمدی و انفجار بمب‌ها در تهران همه از یک مرکز واحد صورت گرفته‌اند و هدف آن‌ها ایجاد بحران برای جلوگیری از شکست محافظه کاران در انتخابات ششمین دوره مجلس است

دوره مجلس است

در صفحه ۶

## با پیام خامنه‌ای تحصن طلاب قم به منظور برکناری وزیر ارشاد پایان یافت خامنه‌ای: به وظیفه عمل کردید، تا این اندازه کافی است!

تشر را از شما داشته باشیم. تشر رهبر انقلاب را از شما داشته باشیم. ایشان تقدیر کردند و فرمودند: «این هدفی که این آقایان دارند، مخصوص این آقایان نیست. امروز عده زیادی از عسلمان، روحانیون، دانشگاهیان، اساتید، فضلا و مردم ناراحت هستند. از توجه ادامه در صفحه ۳

علی مشکینی پایان یافت. مشکینی در سخنانی که برای طلاب متحضر ایراد کرد، از جمله گفت: من آمدم تا کمال تقدیر و

عصر روز شنبه، تحصن سه روزه طلاب قم که با هدف برکناری وزیر ارشاد اسلامی برپا شده بود، با قرانت پیام شفاهی آیت‌الله خامنه‌ای توسط

- نیک آهنگ کوثر کاریکاتوریست روزنامه «آزاد» دستگیر شد
- پرونده روزنامه «آزاد» به دادگاه فرستاده شد
- عمده‌ترین شعار متحضرین «وزیر بی کفایت معزول باید گردد!» بود
- آیت‌الله مشکینی، جنتی، مظاهری و... از متحضرین حمایت کردند

### سرمقاله

## بسیج هر چه گسترده‌تر آرای مردم علیه دشمنان آزادی!

سلب حق فعالیت آزادانه احزاب سیاسی در کشور و اعمال نظارت استصوابی بر انتخابات که توسط شورای نگهبان اعمال می‌شود و به حذف کاندیداهای غیرحکومتی و اصلاح طلبان رادیکال وابسته به حکومت از جریان انتخابات انجامید، انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی را با یک دوگانگی آشکار مواجه ساخته است.

از یک سو، جناح راست حکومت اسلامی با بکارگیری همه اهرم‌هایی که در دست دارد، بخش پیگیر اصلاح طلبان، اعم از درون یا بیرون حکومت را از دور رقابت خارج کرده است. شورای نگهبان به ستاد انتخاباتی محافظه کاران تبدیل شده و با یک نقشه جنگی حساب شده، به قلع و قمع کاندیداهای اصلاح طلب پرداخته است. نه تنها نیروهای اپوزیسیون، بلکه احزاب و سازمان‌های غیرحکومتی، اما ملتزم به فعالیت در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی، این بار نیز مجال فرستادن نماینده به مجلس را نیافته‌اند. علاوه بر این، آن دسته از نیروهای حکومتی که در دو سال اخیر به عنوان اصلاح طلب و دموکرات شهرت یافته‌اند، از تیغ تصفیه شورای نگهبان معصوم نمانده‌اند. این شورای نگهبان است که به جای مردم انتخاب کرده است. رادیو و تلویزیون دولتی در انحصار جناح راست و امید اصلی آن، رفسنجانی است. این انتخابات نیز هیچ شباهتی به انتخاباتی دموکراتیک ندارد. رقابت اصلی برای ورود به مجلس ششم، مانند همیشه رقابت بین نیروهایی است که ۲۰ سال است قدرت را قبضه کرده‌اند و بقیه مردم را «غیر خودی» می‌دانند و می‌نامند.

از سوی دیگر، نمی‌توان ادعا کرد که نتیجه انتخابات یا به عبارتی دیگر نتیجه رقابت جناح‌های حکومت در سرنوشت جنبش اصلاح طلبی در ایران بی‌تأثیر است. مجلس پنجم از دوم خرداد بدین سو، موانعی بسیار بر سر راه این جنبش ایجاد کرد که تصویب قوانین ضد مطبوعات و ضد زن و ضد آزادی انتخابات، تنها بخشی از آن است. همین که شورای نگهبان توانسته است این گونه گستاخانه به قلع و قمع کاندیدها بپردازد، نتیجه رأی مجلس پنجم به تداوم نظارت استصوابی است. اگر اکثریت مجلس ششم از دست جناح راست خارج شود، امکان جلوگیری از این گونه اقدامات ضد اصلاحات افزایش خواهد یافت.

در دو سال و نیمی که از آغاز دوره ریاست جمهوری خاتمی می‌گذرد، مجلس پنجم به عنوان یکی از موانع اصلی پیشبرد روند اصلاحات شناخته شده است. اگر از دست‌اندرکاران دولت خاتمی جویای کارنامه اصلاحی‌شان شویم، همواره بدین نکته اشاره ادامه در صفحه ۴

### اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اسامی داوطلبین رد صلاحیت شده را به عنوان کاندیدای مجلس شورای اعلام کنید  
در صفحه ۲



بیست و نه سال پیکار فدائیان خلق



در راه صلح، دموکراسی و سوسیالیسم را گرامی بداریم!

به نشانه همبستگی با جنبش مردم و دانشجویان ایران گرد هم آئیم!



گفتگو با فدائیان خلق:

علی یوزفقوی بیزادگر بیسی مهادی فناپور	مسئول هماهنگی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مسئول سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)	پرویز نویدی علی کشتگر	سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران سردار فرهنگ مبین
زمان: شبه ۲۲ بهمن ۱۳۷۸ کتابخانه فدائیان خلق انقر مراسم منوع جشن:	برابر با ۱۴ فوریه ۲۰۰۰ ساعت ۱۶ ساعت ۱۹	مکان: المان - مین ورودیه: ۲۵ مارک	سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران نوجوانان: ۱۵ مارک

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### اطلاعات تازه‌ای پیرامون

## فهرست بی پایان قربانیان فاش می‌شود سرنخ همه قتل‌ها به فلاحیان و رفسنجانی می‌رسد

اکبر گنجی: سعید امامی با موبایل با فلاحیان تماس گرفت و فلاحیان به او دستور داد: سیامک سنجری را بکشید!  
وکیل مدافع روزنامه کیهان: تقصیر آقای فلاحیان است که حق این روزنامه نگاران را به موقع کف‌دستان نگذاشت!

مستقیم فلاحیان صورت گرفت، فاش شده است. آیا سنجری، همراه با آن لیست بلندبالای بیست نفره که اخیراً عمادالدین باقی منتشر کرد و همه در زمان وزارت فلاحیان به قتل رسیده‌اند - علی فاضل، دکتر تفضلی، مهندس حسین برارزنده، دکتر عبدالعزیز، عبدالملک ملازاده، مسولوی جمشید زهی، حمید ادامه در صفحه ۴

هر پرونده‌ای ناتمام و قتل مشکوکی که دنبال می‌شود، نام هر مقنود دگراندیشی در هر گوشه‌ای از کشور به میان می‌آید، سرنخ ماجرا با یک رشته نامرئی به وزارت اطلاعات، علی فلاحیان، سعید امامی و همدستان وی می‌رسد.  
سیامک سنجری یکی از قربانیانی است که به تازگی ماجرای قتل وی که به دستور

## با انتشار بیانیه‌ای گروهی از شخصیت‌های ملی و مذهبی کشور به دروغ‌گویی‌های رفسنجانی اعتراض کردند به سوی ایرانی عاری از شکنجه و آزار

هاشمی رفسنجانی آن‌ها را متهم به جاسوسی کرد. رئیس جمهور سابق که اکنون در خیزش دوباره برای تصدی پست ریاست مجلس، مورد استفاده‌های جدی نسبت به دوران ریاست جمهوری‌اش قرار گرفته است، اخیراً در مصاحبه‌ای منکر دستگیری نویسندگان آن نامه به خاطر انتقاد از وضعیت سیاسی کشور شد.  
نامه جدید فعالین ملی - مذهبی را در صفحه ۴ می‌خوانید:

۱۸ نفر از امضاءکنندگان نامه معروف به «نامه نود نفری» با انتشار بیانیه‌ای نسبت به اظهارات کذب رفسنجانی پیرامون دستگیری‌هایی که به دنبال انتشار این نامه صورت گرفت، اعتراض کردند. نامه نود نفره، در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۹ منتشر شد و نویسندگان آن وضعیت سیاسی کشور را مورد انتقاد قرار دادند. به دنبال انتشار آن نامه، گروهی از امضاءکنندگان آن دستگیر و مورد شکنجه قرار گرفتند و

یادداشت

بمناسبت سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

۲۲ بهمن و تداوم آن

سه نیروی اصلی سیاسی - اجتماعی در انقلاب بهمن ۱۳۵۷ شرکت کردند: نیروهای ملی، نیروهای چپ و نیروهای مسلمان. بخش عمده از هر سه نیرو، از جنبش اصلاح طلبانه دوم خرداد حمایت و برای به ثمر رسیدن اهداف آن به درجات مختلف کوشش می‌کنند. می‌توان آن‌گونه که این روزها رسم شده است، دوم خرداد را نوعی توبه از ۲۲ بهمن جلوه داد و بر این ادعا یا فخر کرد که استقبال عمومی از اصلاحات، یعنی نفی انقلاب، آیا برآستی چنین است؟

انقلاب بهمن دو وجه دارد: وجه نفی آن، پایان دادن به سلطنت استبدادی ۲۵۰۰ ساله و وجه اثباتی آن، به قدرت رسیدن ارتجاع مذهبی است. هر تحلیل از انقلاب بهمن که تنها یکی از این دو وجه را ببیند، ناقص است. مردم ایران در یک رویداد تاریخی در ۲۱ سال پیش در چنین روزهایی، بر نظام مستبدانه شاهنشاهی نقطه پایان گذاشتند و سپس متأسفانه حکومت را به دست نیرویی دادند که نه تحقق آزادی و توسعه سیاسی، که برقراری قدرت مطلقه خود را در سر داشت. آنچه در تاریخ از ۲۲ بهمن به یادگار خواهد ماند، نه وجه دوم، که وجه اول این انقلاب است. شرکت توده‌های میلیونی مردم ایران در حیات سیاسی ایران است، مشارکت و حضوری که در این ابعاد در تاریخ ایران سابقه نداشت. اینکه این توده‌های میلیونی در طول دهه‌ها سال استبداد پهلوی امکان آموزش و رشد سیاسی را نیافتند و دنباله‌رو روحانیت مستبد شدند، جایگاه تاریخی ۲۲ بهمن در روند پر فراز و نشیب توسعه سیاسی در مین ما را تحت الشعاع قرار نمی‌دهد.

به یک نوع، دوم خرداد اعاده حیثیت از ۲۲ بهمن است. جنبش فعلی اصلاحات در ایران، تنها با تکیه بر سنن مشارکت و حضور فعال به جای ماندن از ۲۲ بهمن بود که می‌توانست شکل بگیرد. در شرایطی که استبداد ولایت فقیه در طول نزدیک به دو دهه، امکان تأثیرگذاری و هدایت نیروهای سیاسی آزادخواه بر حرکات توده‌ای را عمده‌تاً از میان برده بود، مردم ایران بار دیگر مانند ۲۲ بهمن، اما این بار به شکلی دیگر به صحنه آمدند تا سرنوشت خود را به دست بگیرند. آری، جنبش اصلاح طلبانه دوم خرداد به لحاظ روش‌ها و فرهنگ با ۲۲ بهمن متفاوت است. جنبش دوم خرداد را عمدتاً نسلی بر دوش خود حمل می‌کند که ۲۲ بهمن را تنها از خواننده‌ها و شنیده‌ها می‌شناسد. اما بدون سیاسی شدن گسترده مردم در جریان انقلاب ۵۷، بدون چشیدن طعم قدرت مردمی که در ۲۲ بهمن هر چند کوتاه میسر شد، بدون ملموس شدن آزادی، برادری و برابری در آن انقلاب، جنبش اصلاح طلبانه بدین گونه که شاهد انیم قابل تصور نمی‌بود.

روند توسعه سیاسی در ایران در دو دهه اخیر می‌توانست روند بسیار کم‌درتری را طی کند. اما در تاریخ، «ایکاش» و «اگر چنین می‌بود چنان می‌شد» جایی ندارد. تصادفاً همین فرض‌های اتفاق نیافتاده است که نشان می‌دهد مطلق کردن ضیاع انقلاب و ندیدن فرصت‌های آن، خطاست. گاه تاریخ، مستقل از اراده این یا آن نیروی سیاسی، مسیر انقلاب را در پیش پای مردمی می‌گذارد. اصلاح طلب واقعی از گام نهادن در این مسیر پشیمان نمی‌گردد. رفرمیست‌ترین نیروها نیز از انقلاب ۵۷ استقبال کردند، نه از آن روکه فریب انقلابیون را خوردند یا مرعوب آنان شدند، بلکه بدین سبب که آنان نیز در آن شرایط تاریخی، راهی جز مسیری که توده‌های میلیونی مردم در پیش گرفته بودند، برای تحقق اصلاحات نمی‌دیدند. بهترین گواهی بر بطنان فرضیه تقابل آشتی‌ناپذیر انقلاب و رفرم، این است که راهی که دو دهه پیش آغاز شد، در تداوم خود به جنبش اصلاح طلبانه دوم خرداد رسید.

پیام عبدالله نوری از زندان اوین به مردم:

در انتخابات شرکت کنید، مجلس ششم متعلق به نیروهای اصلاح طلب و مدافعان حقوق ملت است

عبدالله نوری از مردم خواست که نام او را در برگ‌های رای خود بنویسند!

عبدالله نوری در پیامی که از زندان اوین برای مردم فرستاد، از آنان خواست در انتخابات بطور گسترده شرکت کنند. نوری در پیام خود نوشت: از قرار اطلاع گفته می‌شود برخی از جمعیت‌ها و احزاب محترم در نظر دارند که نام اینجانب (عبدالله نوری) را در فهرست انتخابات مجلس ششم قرار دهند. همچنین شنیده شده است که برخی از شهروندان عزیز تهرانی نیز قصد دارند که نام این خادم کوچک را در برگ‌های انتخاباتی خود بنویسند. با عنایت به سلب امکان نامزدی از اینجانب، به خود لازم می‌دانم ضمن دعوت از همه مردم رشید و شریف ایران اسلامی

بهرام نمازی، از رهبران حزب ملت ایران، که به دنبال رویدادهای خونین تیر ماه گذشته در تهران دستگیر شد و تاکنون بدون محاکمه در بازداشت به سر می‌برد، در نامه‌ای به رییس قوه قضاییه، به شکست‌ها و بازداشتگاه‌های پر شمار وزارت اطلاعات و انبوه بازداشت شدگانی اشاره کرده است که ماه‌ها و سالهاست بدون محاکمه در بازداشت به سر می‌برند. این نامه در روزنامه‌های ایران منتشر نشده و از طریق دفتر اروپایی حزب ملت ایران در اختیار رسانه‌ها قرار گرفته است. متن کامل نامه بهرام نمازی:

مقام متب ریاست قوه قضاییه! با احترام و درود، هیات ویژه اعزامی از سوی آن ارجمند امروز یکشنبه دهم بهمن ماه به مدت کمتر از پنج دقیقه قدم رنجه فرموده، در راهرو بند ۹ بازداشتگاه ۲۰۹ خطاب به بازداشت‌شدگان اعلام داشتند: هر کسی شکوه و شکایت یا نظری دارد، آن‌ها را نوشته کند تا طی دو سه روز آینده هیات به گردآوری نامه‌ها و رسیدگی به آن‌ها اقدام کند. گرچه پیر من آشکار نیست که انگیزه آمدن این بزرگواران به بازداشتگاه به هدف اجرای عدالت و رفع ستم و بسط امنیت است یا سرپوش گذاشتن بر کردارهای خلاف قانون رکنی از ارکان نظام یا مأمورانی که تحت لوای قوه محترم قضاییه یا قوه مجریه

نامه بهرام نمازی از بند ۲۰۹ زندان اوین به رییس قوه قضاییه

بازداشتگاه‌های وزارت اطلاعات انباشته از بازداشت‌شدگانی است که چند ماه و شاید چند سال است در بلا تکلیفی به سر می‌برند

است واقع شده باشد. باری «ما که دادیم دل و دیده به توفان بلا»، به طرح چند پرسش بسنده می‌کنیم با بدان امید که قوه قضاییه در سامان‌دهی تازه به ریاست جنابعالی با انگیزه بسط عدالت و رفع ستم و اجرای قانون آغاز بکار کرده باشد.

۱. آیا هیات ویژه اعزامی از همه بازداشتگاه‌های کم نام و نشان وزارت اطلاعات دیدن کرده است؟ خود من به مدت هفتاد روز در یکی از نه زندان کم نام و نشان زندان، بازداشت بودم و مسئولان محترم وزارت اطلاعات حضور ناقص و فعال دارند و چه بسا پرونده برخی متهمان به راهنمایی آنان تنظیم می‌شود؟

۲. آیا هیات ویژه اعزامی از شکست‌هایی که از سوی بازجویان وزارت اطلاعات برای گرفتن اعتراف به کارهای ناکرده پر بازداشتیان اعمال می‌شود، آگاه هستند؟ آیا هیات محترم اعزامی آگاه است که بازجویان وزارت اطلاعات بر مبنای همین اعتراف‌هاست که پرونده بازداشتیان را تنظیم و به دادسراهای عمومی یا انقلاب یا نظامی می‌فرستند؟ خود من شلاق‌خوری‌ها و عذاب‌ها را تجربه کرده‌ام.

۳. آیا هیات ویژه اعزامی می‌داند که ۱۴ ماه از رویداد شوم و دردناک قتل داریوش و پروانه فروهر مبارزان میهن‌دوست و دو تن دیگر از نویسندگان دگراندیش می‌گذرد و

اطلاعیه شورای مرکزی فدائیان خلق ایران (اکثریت)

خواست نیروهای آزادی‌خواه از وزارت کشور: اسامی داوطلبین رد صلاحیت شده را بعنوان کاندیدای مجلس شورا اعلام کنید

شورای نگهبان صلاحیت ۶۶۹ نفر از داوطلبین نامزدی مجلس شورا را رد کرد. گرچه بر اثر فشار افکار عمومی و مطبوعات، درصد رد صلاحیت شده‌ها نسبت به انتخابات قبلی کاهش یافته است. اما چهره‌های شاخص اصلاح طلبان حکومتی و کاندیداهای جریان‌های غیر وابسته به جناح‌های حکومت که شامل جریان‌های ملی - مذهبی، ملی، دمکرات و چپ بودند، حذف شده‌اند. دلیل رد صلاحیت ۲۱۰ نفر از داوطلبین یعنی حدود ۳۰ درصد کل رد صلاحیت شده‌ها، وابستگی و هواداری از جریان‌های سیاسی غیرحکومتی اعلام شده است. شورای نگهبان با این اقدام، روند انتخابات را بیش از پیش غیردمکراتیک ساخته و بار دیگر نشان داد که پایبند هیچ قانون نیست و آنچه را منافع جناح حاکم ایجاب میکند، پیش می‌برد.

ما همراه با نیروهای آزادی‌خواه و اصلاح طلب کشور، اقدام شورای نگهبان در رد داوطلبین، حذف کاندیداهای جریان‌های سیاسی غیرحکومتی و اصلاح طلبان حکومتی را ضدمکراتیک و مستبدانه می‌دانیم و از رئیس جمهور و وزارت کشور می‌خواهیم که در دفاع از رد صلاحیت‌شدگان، اقدامات ضرور را بعمل آورند و لیست کسانی که توسط شورای نگهبان خودسرانه حذف شده‌اند، بعنوان کاندیدای اعلام نمایند تا مردم خود تصمیم بگیرند. همان کاری که در انتخابات شورا صورت گرفت.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۱۱ بهمن ۱۳۷۸

دانشجوی دانشگاه آزاد سبزوار به قتل رسید

پنجشنبه دو هفته پیش، یک دانشجوی دانشگاه آزاد سبزوار در محل سکونت خود مورد حمله قرار گرفت و بر اثر شدت جراحات وارده در بیمارستان درگذشت. ضاربان پس از ورود به منزل مهدی خانی‌پور دانشجوی رشته بهداشت دانشگاه آزاد سبزوار، وی را با ضربات چاقو به قتل رساندند. به دنبال وقوع این حادثه دانشجویان دانشگاه آزاد با تجمع در محیط دانشگاه خواستار رسیدگی سریع به موضوع و تامین امنیت جانی خود شدند و سپس نمایندگان منتخب آنان برای بررسی ماجرا به فرمانداری مراجعه کردند. فرماندار سبزوار گفت: ضاربان که سه نفر بودند بلافاصله پس از ارتکاب جرم دستگیر شدند. به دنبال این جنایت، دانشگاه تعطیل شد و دانشجویان در مراسم ختم دانشجوی مقتول شرکت کردند و امتحانات برگزار نشد. به گفته فرماندار سبزوار، موضوع از طریق مقامات قانونی در حال پیگیری است.

برادر حمید حاجی‌زاده در نامه‌ای سرگشاده به رییس جمهور خواهان پیگیری چگونگی قتل وی و فرزند ده ساله‌اش شد

به ما بگوید برابر قانون کدام ملتی می‌توان حق حیات و زندگی را از یک کودک گرفت؟

خانواده من و زن و دو بچه باقی مانده برادرم از دوم خرداد، یک مشت قرص و داروی عصبی است و تداعی یک سحرگاه شوم، تداعی یک سحرگاه خونین که پدر و پسری عاشق را در برابر دیدگان هم قصابی می‌کنند. تازه مدام هم این فکر آزارت بدهد که پدر شاهد به قتل رسیدن پسر بوده و یا پسر جان‌کننده پدر را می‌نگریسته است... اگر چه پرونده قتل‌ها در بستوی نه توی داسرای نظامی مخفی است اما این پرونده در دادگاه وجدان بیدار ملت ایران دبری است که رسیدگی شده و رای آن هم صادر شده است...

قدر بی‌رحمانه؟ ۲۷ ضربه کاره برای یک آدم؟ خانه بی‌شبهات به کشتارگاه‌ها و قصاب‌خانه‌ها نبود. همین پس که شاهدان عینی می‌گویند ماسوران تحقیق (بازپرس، پزشکی قانونی، مأموران آگاهی و انتظامی) دور اجساد حلقه‌وار اشک می‌ریختند... دو ماه تمام این در و آن در می‌زدیم تا این که قتل آقای فروهر با همین کیفیت اتفاق افتاد و ما تازه متوجه عمق فاجعه شدیم... آقای رئیس جمهور! اگر روزی روزگاری، صدای من به گوش شما رسید، که قطعا می‌رسد، بدانید که سهم من،

محمد حاجی‌زاده، برادر حمید حاجی‌زاده، شاعر و معلم کرمانی که در سحرگاه ۳۱ شهریور ۱۳۷۷ همراه با فرزند ده ساله‌اش در خانه خود و به هنگام خواب، به قتل رسید، در نامه‌ای به آقای محمد خاتمی رییس‌جمهور که قسمت‌هایی از آن در روزنامه صبح امروز پنجشنبه ۷ بهمن به چاپ رسید، خواهان پیگیری قتل برادر خود و فرزند او شد. در نامه محمد حاجی‌زاده پیرامون مرگ دلخراش برادر خود و فرزند او چنین سخن گفته است:

بیش از یک سال است که کربارا بسا تسلیم ده‌ها فقره دادخواست، از مقام

مرگ دو شاعر جوان در تهران

رضا ضیایی‌نیا و هادی تقی‌زاده، دو شاعر جوانی که برای تامین معاش و گسترش فعالیت‌های ادبی و هنری‌شان از مشهد عازم تهران شده بودند، بر اثر استنشاق گاز درگذشتند. ضیایی‌نیا که پیش از اقامت‌اش در تهران فعالیت ادبی می‌کرد آثارش در چند نشریه محلی چاپ شده بود و در تهران نیز در مجله «کارنامه» و نشر «شهر قصه» فعالیت می‌کرد. وی هم‌راهِ دوستش تقی‌زاده که او هم

چهارشنبه هفته پیش تصادم دو هواپیمای غول‌پیکر در تهران، موجب مرگ ده نفر شد. در اثر این حادثه یک فروند هواپیمای آموزشی سی ۱۳۰ متعلق به نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در هنگام پرواز آموزشی و در لحظه برخاستن از باند فرودگاه مهرآباد به علت نقص فنی از مسیر پروازی خود منحرف شد و با هواپیمای مسافربری بدون مسافر ایرباس ۳۰۰ متعلق به شرکت هواپیمایی هما که برای انجام عملیات تعمیر عازم آشیانه بود، برخورد کرد. در این حادثه هر دو هواپیمای دچار آتش‌سوزی شدند. به گفته رئیس سازمان هواپیمایی کشوری در اثر این برخورد، ده نفر کشته شدند.



برخورد دو هواپیمای غول‌پیکر در مهرآباد ۱۰ کشته بر جای گذاشت

با کمک‌های مالی خود ما را در انجام وظایفمان یاری کنید!





علیرغم حذف گسترده کاندیداهای غیرحکومتی و اصلاح طلب

مردم مصمم‌اند مجلس را از چنگ مر تجعین بیرون بکشند



یک تابلوی تبلیغاتی جبهه مشارکت اسلامی

مدرسه حقانی هفته گذشته عنوان ساخت و ادها کرد توسط رئیس سابق سیا به ایران آمده است تا در اختیار روزنامه‌نگاران دوم خردادی قرار گیرد، بخشی از برنامه انتخاباتی محافظه‌کاران است که با تظاهرات قم دنبال شد. دسته بزرگی از محافظه‌کاران با نام جدید «ائتلاف خط امام و رهبری» تاکید بر مشکلات اقتصادی را به عنوان محور فعالیت تبلیغاتی انتخاب کرده‌اند. این نیروها، برخلاف ائتلاف جبهه دوم خرداد، نیروهای ملی و مذهبی، روشنفکران دینی و روزنامه‌نگاران، دفتر تحکیم وحدت و حزب مشارکت اسلامی نه تنها دغدغه رد صلاحیت کاندیداهایشان را ندارند، بلکه سران آنان از عوامل اصلی قلع و قمع کاندیداهای اصلاح طلبان حکومتی و دگراندیشان هستند.

اعتراض در چند شهر علیه رد صلاحیت‌ها

در هیاهوی تبلیغات برای فتح کرسی‌های مجلس، بسیاری از اصلاح‌طلبان حکومتی با تاکید بر این ارزیابی که علیرغم تسویه‌های گسترده از طرف شورای نگهبان، کاندیداهای تایید شده این جناح برای پیروزی طرفداران دولت در انتخابات کافی هستند، پیگیری جدی حقوق مدنی شهروندان رد صلاحیت شده را که همگی وابسته به جریان‌های رادیکال تر اصلاح‌طلبان هستند، کنار گذاشتند و بدون حمایت موثر آنان، حرکات اعتراضی مردم در شهرهای اصفهان، مشهد، اهواز، شیراز، تبریز، نوشهر، چالوس، بناب، بیرجند، ارومیه، سنندج، کرمانشاه و چند شهر دیگر که در

ادامه از صفحه اول سرکوب سازمان‌های سیاسی مخالف حکومت، حتی آن‌ها که مبارزه مسالمت‌آمیز می‌کنند، مانع از آن شده است که نمایندگان آن‌ها نیز بتوانند در این رقابت وارد شوند، بسیاری از مردم جای نمایندگان واقعی خود را در این انتخابات خالی می‌داند. کسی نمی‌داند که آنان چه تعداد از این مردم را تشکیل می‌دهند، زیرا در این بیست سال هرگز اجازه ندادند که غیرحکومتی‌ها نیز خود را به رای مردم بگذارند. این بار نیز چنین شده است و این تلخ‌ترین جنبه این انتخاباتی است که همه بر سر نوشت‌ساز بودن آن تاکید می‌کنند. رقابت کماکان منحصر به حکومت‌کنندگان است.

«آزادی»، «رفاه» و «امنیت اجتماعی» ترجیح‌بند شعارهای تبلیغاتی گروه‌های ۱۸ گانه دوم خرداد است. «ایران برای همه ایرانیان!»، «عدالت»، «معنویت» و «آزادی» شعارهای اصلی هستند که گروه تازه تاسیس «جبهه مشارکت ایران اسلامی» با طرح آن‌ها، مردم را به حمایت از کاندیداهای خود دعوت می‌کند. مجمع روحانیون مبارز و حزب کارگزاران سازندگی هر دو بر شعارهای «رفاه»، «امنیت» و «آزادی» تاکید کرده‌اند. در پلاکاردهای حزب همبستگی اسلامی که از کاندیداتوری رفسنجانی حمایت می‌کند، شعار «اصلاحات» در کنار «آزادی» و «رفاه» قرار گرفته است. محافظه‌کاران راه دیگری را برای تبلیغات انتخاباتی برگزیده‌اند. سناریوی چمدان پر از دلار که مصباح یزدی مدیر

شورای نگهبان مانع انتخابات آزاد است

در انتخابات ششمین دوره مجلس اسلامی، هیچ تغییری در حقوق نیروهای مخالف روی نداده است. همه احزاب و سازمان‌هایی که با حکومت فعلی مخالف هستند، صرف نظر از این که این مخالفت را از راه‌های مسالمت‌آمیز پی می‌گیرند یا نه، کماکان مورد سرکوب قرار دارند و شرایط اساسا به گونه‌ای نیست که نمایندگان آنان حتی بتوانند برای انتخابات ثبت‌نام کنند، تا چه رسد به این که نامزد نمایندگی مجلس شوند و سپس از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت گردند. به این ترتیب آنچه باز باقی مانده است، رقابت بین نمایندگان وابسته به حکومت است که هر چند از اهمیت سر نوشت‌سازی برخوردار شده است، اما به هیچ وجه به معنای نادیده گرفتن این حقیقت تلخ نیست که در این انتخابات اپوزیسیون حکومت حضور مستقیم ندارد.

در ایجاد این شرایط غیردموکراتیک نمی‌توان همه جناح‌های حکومت را به یک سان محکوم دانست. در جریان اصلاح طلب حکومت هر چند هنوز هیچ گام جدی در جهت دفاع از حقوق احزاب و سازمان‌های مخالف حکومت برداشته نشده است، اما مخالفت‌هایی با حذف نمایندگان وابسته به جریان ملی - مذهبی صورت گرفته است. مخالفت‌هایی که برخلاف شعار «ایران برای همه ایرانیان!» به هیچ وجه تا سطح دفاع از حقوق «همه ایرانیان» گسترش نیافته است.

واقعیت این است که این دفاع ناپیگیرانه از حقوق شهروندان، تنها مختص به بخشی از جریان اصلاح طلب حکومت است و از جمله در میان دو جریان عمده‌ای که خود را هوادار دوم خرداد می‌خوانند، یعنی حزب کارگزاران سازندگی و مجمع روحانیون مبارز، اعتراض به حذف خودسرانه کاندیداهای بسیار کم رنگ است.

مهدی کربویی دبیرکل مجمع روحانیون مبارز، اخیرا در یک سخنرانی در «کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی» از شورای نگهبان به خاطر برخورد مناسب با «نظارت استصوابی» تشکر کرد. این قدردانی درست در همان روزهای صورت گرفت که شورای نگهبان باقی‌مانده کاندیداهای «غیرخودی» را نیز از شرکت در انتخابات محروم ساخت و یک بار دیگر این حقیقت آشکار شد که برای امثال آقای کربویی، «نظارت استصوابی» و تیغ تصفیه تنها تا آن جا بد است که گریبان یاران و دوستان وی را می‌گیرد و این بار که شورای نگهبان با نمایندگان مجمع روحانیون مبارز از در آشتی درآمده است، آقای کربویی نیز چشم بر قلع و قمع صدها کاندیدی نمایندگی مجلس بسته است.

این قدردانی‌ها و حمایت‌های کسی که خود خویشتن را رهبر جریان دوم خرداد می‌نامد، و مشابه آن از سوی بسیاری از شخصیت‌ها و جریان‌های مدعی دوم خرداد نیز به چشم می‌خورد، مقابله عمومی با نظارت استصوابی شورای نگهبان را آسیب‌پذیر ساخت. بسیاری از تحلیل‌گران بر این عقیده‌اند که اگر هواداران دولت در برابر نظارت استصوابی شورای نگهبان کوتاه نمی‌آمدند و چشم فرو نمی‌بستند و توده مردم و جناح رادیکال خود را تنها نمی‌گذاشتند و تصمیمات شورای نگهبان را غیرقابل پذیرش اعلام می‌کردند، با توجه به آمادگی افکار عمومی، این امکان وجود داشت که نظارت استصوابی در عمل بی‌اعتبار شود.

تجربه تلخ دیگری که شورای نگهبان و برخی از دوستان نیمه راه دوم خرداد از خود بر جای نهادند، یک بار دیگر این پرسش را مطرح ساخت که آیا تا چه امکان پذیر است که بتوان «نظارت» شورای نگهبان بر انتخابات را با رای آزادانه مردم آشتی داد. این تجربه یک بار دیگر ثابت کرد که چنین تلاشی بی‌فایده است و نهادی که از یک جایگاه غیرانتخابی و با یک هدف ارتجاعی رای مردم را زیر سیطره گرفته است، اصلاح‌پذیر نیست. فراموش کرد که مجلس ششم اگر می‌خواهد مجلسی واقعا اصلاح طلب باشد، باید یکی از عمده‌ترین اهداف خود را انحلال همه نهادهای غیرانتخابی قرار دهد!

فریبرز رئیس‌دانا:

ممکن است مجلس نتواند بیان فریاد رسای مردم در دوم خرداد باشد

آن‌ها گروهی هستند که همچنان بر تجربه‌ها و سیاست‌های غلط اقتصادی گذشته خود پافشاری می‌کنند. چگونه می‌شود با حزب اسلامی کار همخوانی داشت، حزبی که علی‌رغم نامش، کوچکترین ارتباطی با طبقه کارگر ندارد. با جبهه مشارکت نیز تا زمانی که به دنبال معنای درست اصلاحات و آزادی هستند، هم عقیده‌ایم، ولی آن‌ها نیز در دفاع از اصولی که خواست مردم است، جلو نمی‌روند.

امیر خرم در این جلسه، پیرامون حمایت اخیر خانم فایزه هاشمی از نیروهای ملی و مذهبی گفت: من نسبت به این تعریف خانم هاشمی زیاد خوشبین نیستم. ایشان گاهی به چپ می‌زنند و گاهی به راست. به نظر من، سخنان ایشان جز برای کسب آرا علت دیگری نمی‌تواند داشته باشد.

روحانیون مبارز و دفتر دفتر تحکیم وحدت، فقط ۳ نفر مشترک هستند. هاشمی رفسنجانی کاندیدی اول کارگزاران سازندگی است و مهدی کربویی نفر اول فهرست مجمع روحانیون مبارز. دفتر تحکیم وحدت، همچنان عبدالله نوری را در صدر فهرست خود حفظ کرده است. در پنج لیست انتخاباتی نام بیست داوطلب در حوزه انتخابیه تهران مشترک است.

۷۰ درصد

کرسی‌ها را به دست می‌آوریم

علیرغم این اختلافات، اصلاح‌طلبان حکومتی نسبت به پیروزی کاندیداهای خود اعتماد بیشتری دارند. سعید حجاریان عضو جبهه مشارکت اسلامی در جمع کاندیداهای این حزب گفته است ۷۰ درصد از کرسی‌های مجلس ششم را «دوم خردادی‌ها» به دست خواهند آورد.

علیرغم تصفیه‌های گسترده‌ای که صورت گرفته است، این خوشبینی در میان اصلاح‌طلبان و در میان مردم وجود دارد و توطئه‌های پی در پی دشمنان آزادی نتوانسته است، تصمیم و اراده مردم برای آنکه انتخابات مجلس ششم را به شکست بزرگ همبستگی ایران اسلامی، خانه کارگر و... کاندیداهای خود را در فهرستی با عنوان «جبهه معتدل دوم خرداد» متشکل کرده‌اند. «جبهه نیروهای خط امام - مدافعین خط امام» لیست دوم را تشکیل می‌دهند. جبهه مشارکت ایران اسلامی، مجمع روحانیون مبارز و دفتر تحکیم وحدت هر یک لیست جداگانه دارند. در سه لیست کارگزاران، مجمع

اعتراض به رد صلاحیت‌ها برگزار شده بود، نتایج قابل تأثیری برجای نگذاشت و بی‌پاسخ ماند.

ائتلاف دوم خرداد

با ۵ لیست انتخاباتی نیروهای ائتلاف جبهه دوم خرداد که از گروه‌های ۱۸ گانه اصلاح‌طلبان حکومتی تشکیل شده و موسوس خوبی‌ها مسئولیت هماهنگی آن را برعهده دارد، بعد از هفته‌ها گفتگو برای آرایه فهرست مشترک در حوزه انتخابیه تهران به توافق نرسیدند و چالش این گروه‌ها بر سر پذیرش و یا عدم پذیرش برخی از چهره‌ها به دسته‌بندی آنان در

دستورالعمل ستاد محافظه‌کاران برای جنگ روانی در انتخابات مجلس

روزنامه مشارکت، در شماره روز شنبه گذشته خود، دستورالعملی را که گفته می‌شود «عملیات جنگ روانی اقتدارگرایان برای انتخابات مجلس» است، را به چاپ رسانده است.

مشارکت «راهکارهای پیشنهادی جناح تمامیت‌خواه» را «عینا از یکی از بولتن‌های توزیع شده در مراکز فرهنگی و ارسال شده برای بسیاری از شخصیت‌ها» به چاپ رسانده است.

رئوس این «راهکارهای پیشنهادی» به قرار زیر است: شب‌نامه پخش توزیع کنید و عکس‌های خصوصی کاندیداهای رقیب را بین مردم پخش کنید. از طریق ستون اخبار ویژه مطبوعات خودی دلایل متفاوتی را برای رد صلاحیت افراد طرح کنید.

از فرصت ایام دهه فجر برای تحریک و تهییج مردم بهره‌برداری کنید. از پتانسیل احساسی جوانان از طریق سخنرانی‌های ارزشی استفاده کنید. از روش‌های غیرمستقیم تبلیغ در رسانه‌های گروهی از جمله صدا و سیما بهره بگیرید.

دستان رفسنجانی به خون آلوده است

نخست‌وزیری مهدوی کنی، جلسه‌ای با حضور رفسنجانی، خامنه‌ای، موسوی اردبیلی، احمد خمینی و مهدوی کنی تشکیل شد که در آن، نخست‌وزیر پیشنهاد قطع اعدام‌ها را داد، اما به گفته رفسنجانی این پیشنهاد مورد موافقت سایرین قرار نگرفت (عبور از بحران، ۴ مهر ۱۳۶۰).

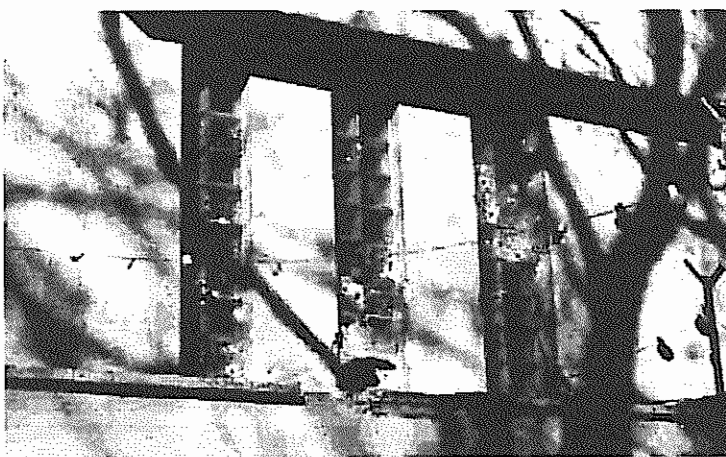
برخی اشاره‌های استنادآمیز رفسنجانی به لاجوردی، نمی‌تواند این واقعیت را بپوشاند که جنایات زندان‌ها زیر نظر مستقیم دست راست خمینی صورت می‌گرفته است. حداقل نتیجه‌ای که می‌توان از خاطرات رفسنجانی گرفت، این است که او اگر می‌خواست، می‌توانست از ابعاد کشتار و شکنجه در زندان‌ها به طور تعیین‌کننده‌ای بکاهد. این حقیقت به طور آشکار از خاطرات خود او برمی‌آید. واقعیتی که رفسنجانی در خاطرات خود بدان اشاره نکرده است، این است که لاجوردی تنها با حمایت و دستور خمینی و رفسنجانی بود که نتوانست بزرگترین حمام خون تاریخ معاصر زندان‌های ایران را به راه اندازد. دست رفسنجانی به خون آلوده است. جای چنین کسی در نخستین مجلس بعد از دوم خرداد نیست، به او نباید رای داد!

انتشار یافته است، در ارتباط با نقش رفسنجانی در این فاجعه حاوی نکات گویایی است. هر چند گویز جمهوری اسلامی در این کتاب تقریبا به طور کامل درباره ابعاد اعدام‌ها و شکنجه‌ها سکوت کرده و تنها به تروورها پرداخته است، اما به طور غیرمستقیم و از طریق برخی اشارات، می‌توان به نقش رفسنجانی در پیشبرد سیاست سرکوب خوین پی برد. از چند جای خاطرات رفسنجانی، چنین برمی‌آید که او در کنار خمینی و پسرش، مهم‌ترین فرد در تصمیم‌گیری پیرامون اعدام‌ها بوده است. رفسنجانی به طور مستقیم بر کار اسدالله لاجوردی نظارت داشته و این دژخیم، به رفسنجانی گزارش می‌داده است (رجوع کنید به صفحات ۱۹۵، ۳۱۷، ۳۶۱ و ۴۴۰ عبور از بحران). نظیر این جمله در خاطرات روزهای هم‌زمان با کشتار در زندان‌ها دیده می‌شود: «جلسه با آقایان خامنه‌ای، موسوی اردبیلی و لاجوردی داشتیم. درباره وضع زندان‌ها و دادگاه‌ها و... تصمیماتی اتخاذ شد.» (عبور از بحران، خاطرات یکشنبه ۱۷ آبان ۱۳۶۰).

یک بسیار در دوره هاشمی رفسنجانی که می‌خواهد به مجلس ششم راه یابد و رئیس آن شود، حدود ده سال در همین مقام شاید مؤثرترین پس از خمینی در رهبری جمهوری اسلامی بود. این روزها کارنامه ده سال اول حضور این فرد در حکومت، تحت‌الشعاع هشت سال بعدی یعنی دوره ریاست جمهوری او قرار گرفته است. در حالی که در مطبوعات اصلاح‌طلب، سئوال‌های زیادی درباره قتل‌های وزارت اطلاعات در دوره ریاست جمهوری رفسنجانی مطرح می‌شود، مسئولیت او در فجایعی که در دوره حیات خمینی در کشور ما روی داد به قدر کافی مورد بحث قرار نمی‌گیرد. البته استثنایایی نیز وجود دارد که اشارات پراکنده به نقش رفسنجانی در تداوم جنگ با عراق، از آن جمله است. جنگ هشت ساله، تنها مصیبتی نیست که در دهه نخست جمهوری اسلامی رخ داد. در کنار جنگ، فاجعه اصلی دیگر، اعدام‌های دسته‌جمعی بود که به ویژه در دو سال ۱۳۶۰ و ۱۳۶۷، هزاران تن از بهترین فرزندان سپهر را به قربانی گرفت. خاطرات رفسنجانی در سال ۶۰ که اخیرا با نام «عبور از بحران»

«کار» را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید!

# کاخ ریاست جمهوری در تهران با خمپاره مورد حمله قرار گرفت



یک منطقه در خیابان ولی عصر که مورد اصابت خمپاره قرار گرفته است

عصر روز شنبه، کاخ ریاست جمهوری با شلیک چند خمپاره مورد حمله قرار گرفت. خبرگزاری جمهوری اسلامی، شنبه گذشته تایید کرد پنج انفجار در خیابان ولی عصر تهران رخ داده است. اما روزنامه‌های صبح تهران، خبری را که همه شب دهان به دهان در میان مردم می‌گشت، تایید کردند و خبر دادند که کاخ ریاست جمهوری با خمپاره مورد حمله قرار گرفته است. روزنامه صبح امروز در روز یکشنبه نوشت: ساختمان نهاد ریاست جمهوری و اطراف آن با ۵ گلوله مورد حمله قرار گرفته است. به گزارش خبرنگار صبح امروز، در جریان این انفجار نزدیک به ده نفر کشته و مجروح شده‌اند. ایرنا تنها از کشته شدن یک کارگر چاپخانه به نام داریوش پورمحمدخانی خبر داده است. مطابق همین گزارش، ساختمان مجمع تشخیص مصلحت و نیز ستاد نماز جمعه تهران نیز بر اثر انفجار آسیب دیده است. مجاهدین خلق با صدور اطلاعیه‌ای، مسئولیت این انفجارها را بر عهده گرفته‌اند.

مجاهدین گفته‌اند هدف آن‌ها دفتر خاتمه‌ای و ساختمان مجمع تشخیص مصلحت بوده است. بنا بر گفته مقامات حکومت ایران، دو تن از مجاهدین با گروگان گرفتن کارگران یک چاپخانه، از آن جا مناطق مورد نظر خود را هدف قرار داده‌اند و سپس گریخته‌اند. اما علیرغم تاکید جمهوری در

اسلامی بر دست داشتن مجاهدین در این عملیات و علیرغم آن که مجاهدین خود مسئولیت این انفجارها را بر عهده گرفته و پیرامون آن تبلیغات زیادی راه انداخته‌اند، برخی از آگاهان سیاسی با این ادعاها با تردید برخورد می‌کنند. این آگاهان معتقدند حوادث نگران‌کننده‌ای که این روزها در

ایران اتفاق می‌افتد نمی‌تواند با هم بی‌ارتباط باشد، حوادثی که به مدت سه روز در قم ادامه یافت، تهدیدات آشکار آیت‌الله یزدی که: اگر بخواهیم می‌توانیم هر جا را به آشوب بکشیم، خبر ترور سردبیر نشریه معیار از سوی سازمان فدائیان اسلام تاب شنبه در تهران همه در آستانه

## نقشه‌هایی که دور از چشم مردم کشیده می‌شود طرح انحلال مجلس در صورت پیروزی اصلاح طلبان مورد بررسی سران افراطی مرتجعین قرار گرفته است

همانگونه که در شماره ۲۲۴ «کار» خبر دادیم، سران افراطی محافظه‌کاران در صدد تهیه طرحی برای ایجاد «دادگاه ویژه مجلس» هستند که اختیار انحلال مجلس و تفریض اختیارات آن به شورای نگهبان را داشته باشد. هفته گذشته روزنامه صبح امروز، جزئیات بیشتری از این طرح را فاش ساخت که توجه خوانندگان را به آن جلب می‌کند.

به گزارش خبرنگار صبح امروز برنامه آتی شاخه تندروی چنان راست در روزهای پس از انتخابات مجلس ششم ارائه طرحی به صحن مجلس است که به موجب آن یک تشکیلات وابسته به شورای نگهبان یا کمیسیون پاسداری از حکومت اسلامی مجلس خبرگان، خواهد توانست مجلس را منحل کرده و یا هر یک از نمایندگان را اخراج یا مجازات کند. این گزارش حاکی است مطالب فوق فقط بخشی از طرح پنهانی عناصر تندروی موسوم به «جبهه مقاومت انقلاب اسلامی» است. که اخیراً توسط نظریه‌پرداز آن به صورت مشروح عنوان شده است.

بر اساس برنامه ارائه شده توسط وی، تشکیلات مورد اشاره که «بنا نمایندگان حزب الهی مجلس مذاکراتی در خصوص بردن طرح به صحن علنی مجلس انجام داده است، عنوان «دادگاه ویژه مجلس» را به خود اختصاص داده است تا ضمن فراهم شدن امکان دفاع رسمی از آن، زمینه ایجاد یک دادگاه «ویژه» دیگر که خارج از چارچوب قوانین قضایی و در کنترل نیروهای وابسته به جناح راست باشد، پدید آید. طراحان این طرح اعتقاد دارند که چنانچه مجلس آیتنه در چارچوب خواست آنها نباشد، حزب الله باید بکوشد مجلس را به مجلس ختم جریانهای مخالف تبدیل کند.

این گزارش همچنین حاکی است نظریه‌پرداز یادشده در روزنامه جبهه از فعال‌سازی گسل (شکاف) میان مواضع مقامات عالی‌رتبه نظام سخن گفته و آن را وسیله بحران‌سازی در جبهه نیروهای رقیب توصیف کرده است. طراحان این طرح در توجیه دلایل در پیش گرفتن راهکارهای فوق در نشریه جبهه می‌نویسند: مجلس ششم را جناح راست نقشی انفجالی به خود گرفته و بخش‌های عمده‌ای از آن به‌دنبال راهی برای و صلت و هم صدایی کم‌هزینه با محافل لیبرال و تجدیدنظرطلب هستند. بعضی از عناصر این جناح علی‌رغم وانمود به تبعیت از تشخیص مقام عظمای ولایت و حمایت از حزب‌الله، در عمل بیشتر به‌دنبال یک معامله پرسود و سازش با نیروهای فشار دوم خرداد است. رفتار سیاسی این‌جناح تلویناً مشتمل بر این پیام است که نگرانی و تاملی در پذیرش جنبه‌های لیبرالی مواضع دوم خردادها ندارد بلکه در پی یک کنار آمدن آبرومندانه است. تاخیر زمانی وقوع این معامله و کنار آمدن بخشی به‌خاطر عدم عقلانیت بعضی از نیروهای جبهه دوم خرداد است که رقیب را بزنند.

سید امامی بر مصدر قدرت بود. عوامل مافیای سیاسی شبانه به شکار حمید حاجی‌زاده (شاعر مسلمان ۴۷ ساله که اشعار ملی می‌سرود) به خانه وی در شهر کرمان می‌روند. او با ۲۷ ضربه کارد در سینه، قلب و شکم و فرزند ۹ ساله‌اش که در آغوش پدر از عشق و عاطفه پدری سیراب می‌شد با ۱۵ ضربه کارد به سینه و شکم به‌قتل می‌رسند و اتاقی رنگین از خون فشان شده آنان بر جای می‌گذارند.

۲۰ - سید سعیدی سیرجانی نویسنده، در ۲۳ اسفند ۱۳۷۲ توسط وزارت اطلاعات بازداشت شد و در ششم آذرماه ۱۳۷۳ در زندان اطلاعات توسط سید امامی با تزریق شیاف پتاسیم به‌قتل رسید.

۲۱ - ... اینک اما، در خصوص موارد یاد شده، توجه به چند نکته ضروری است: الف. آنچه گفته شد، صرفاً قتل‌های سیاسی بود و از اشاره به آن دست از قتل‌ها که به نحوی با فاسدهای اخلاقی و اقتصادی مافیای حکومت مرتبط است و تاکنون فاش شده (مانند قتل سیامک سنجری و فاطمه قائم‌مقامی) درمی‌گذریم.

ب. روش قتل‌ها در تمامی موارد مشابه بوده و از «تزریق» یا «کارد» استفاده شده و اغلب مقتولان پس از «ریاضت» به قتل رسیده‌اند.

ج. برخی از موارد یاد شده جزو قربانیان قطعی مافیا شناخته شده و برخی هم در زمره قتل‌های مشکوک قرار دارند که باید مورد رسیدگی قرار گیرند. د. با توجه به این‌که به نوشته روزنامه سلام خنایتکاران به بالغ بر هشتاد قتل اعتراف کرده‌اند، در صورت انتشار لیست آنها توسط مراجع ذی‌ربط، آگاهی درخصوص موارد یاد شده، دقیق‌تر شده و قربانیان دیگری هم شناخته خواهند شد.

### رمزگشایی از جعبه سیاه قتل‌های زنجیره‌ای

به بهانه اظهارات اخیر علی فلاحیان

روزنامه فتح

۶ - پانوی شرف‌السادات برقی در قم و در اسفند ۱۳۷۴ در خانه خود به قتل رسید. قاتلان با باز کردن شیشه‌های گاز شهری در خانه او قصد انفجار و پاره شدن کشیدن خانه را داشتند تا اثری از جنایت نماند و وانمود کنند که وی بر اثر آتش‌سوزی از میان رفته است. مصطفی پورمحمدی (قائم‌مقام فلاحیان، سرعومی همسر بانوی برقی) و نیز علی فلاحیان در روز حادثه، در خانه‌ای در همان نزدیکی بودند و به‌وسیله خانواده مرحومه از حادثه اطلاع یافتند اما تاکنون پرونده این قتل در ابهام مانده و رسیدگی نشده است.

۷ - اواخر سال ۱۳۷۴ همزمان با تسلیفات انتخاباتی پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، مولوی عبدالملک ملازاده و مولوی جمشید زهی که در معیت وی بود، در کراچی پاکستان ترور می‌شوند. مولوی عبدالملک قبل از آن در ایران زندانی بوده.

۸ - در بهمن سال ۱۳۷۴ دکتر احمد صیاد یکی از متفکران اهل سنت پس از بازگشت از سفر دویی در فرودگاه بندرعباس توسط دو تن دستگیر و چند روز بعد جسد وی در فلکه میناب این شهر کشف می‌شود.

۹ - ماموستا محمد ربیعی امام جمعه کرمانشاه نیز مانند برخی دیگر از مقتولان که با تزریق آمپول هوا یا به وسیله شیاف پتاسیم (که منجر به سکنه قلبی می‌شود) کشته می‌شوند از پای درآمد.

### مجموعه سیاه قتل‌های زنجیره‌ای

به بهانه اظهارات اخیر علی فلاحیان

روزنامه فتح

۱۰ - ماموستا فاروق فرساد نیز در تبعیدگاه خود و به روش تزریق در همان سال به قتل می‌رسد.

۱۱ - دو تن از کشیشان‌های مسیحی به نام‌های کشیش دیباج و کشیش میکائیلیان در سال ۱۳۷۴ روبرو شده و جنازه قطعه قطعه شده آنها که در یک فریزر نگهداری می‌شد، کشف می‌شود.

۱۲ - جواد صفا در شهوپور، ۱۳۷۵، جلال متین‌زاده در مهرماه، زهرا افتخاری در آذر ماه و مرتضی علیان نجف آبادی در دی ماه و امیر غفوری در بهمن ۱۳۷۵ و سید محمود میدانی در فروردین ۱۳۷۶ که همگی ساکن مشهد بودند پس از خارج شدن از منزل به قصد رفتن به سرکار یا پس از خارج شدن از محل کار به منظور عزیمت به منزل روبرو شده و به‌قتل

### منحصر کردن قتل‌ها به ۴ جنایت

پاییز ۷۷ (فروهر، اسکندری، مختاری، پوپنده) از ۶ قتل (چهار نفر مذکور به علاوه بیروز دواتی و مجید شریف) یا گسترده پرونده به جنایات یک دهه حکومت سعید امامی بر وزارت اطلاعات، اکنون به کلید اصلی گشودن جعبه سیاه مافیا بدل شده است زیرا انتخاب هریک از این دو گزینه، پیامدها و نتایج بسیار مهمی خواهد داشت.

بنابراین یکی از این دو گزینه (محدود کردن قتل‌ها به پاییز ۷۷ یا بسط آن به دوره دهساله) رمزگشایی جعبه سیاه قتل‌های زنجیره‌ای خواهد بود. منحصر کردن قتل‌ها به پاییز ۷۷ یعنی آنچه توسط فلاحیان و کیهان و برخی عوامل دیگر صورت می‌گیرد. مساعده‌کننده زمینه برای القای برداشت‌های زیر هستند:

۱ - قتل‌ها در دوره خاتمی روی داده و چون در دوره هشت ساله هاشمی نبوده دیگر وزیر اطلاعات نباید پاسخگو باشد.

۲ - سعید امامی پس از دوم خرداد مسئولیت اجرایی نداشته و فقط رئیس گروه مشاوران وزیر اطلاعات بعدی (دوری نخب آبادی) بوده است.

۳ - موسوی (مصطفی کاظمی) مدیرکل سعید امامی گرایش چپ داشته است.

۴ - بنابراین محتمل است این قتل‌ها توسط عواملی طراحی شده باشد که می‌خواستند وزارت اطلاعات را بدنام کرده و از افرادی که در سال‌های گذشته مقصدی پرونده‌های سیاسی مهمی بودند انتقام بگیرند (۱).

۵ - این احتمال نیز وجود دارد که برای تثبیت جبهه دوم خرداد این جنایات طراحی شده باشد تا وزارت اطلاعات را قبضه کنند. این احتمال را روح‌الله حسینیان چندبار بیان کرده است (۲).

اما توجه و تاکید بر این موضوع که آنچه در پاییز ۷۷ روی داد استمرار یک سلسله قتل‌ها و عملیات مافیایی در سال‌های گذشته بوده است، همه چیز را دگرگون خواهد کرد و نشان خواهد داد که اگر این قتل‌ها سال‌های پیش با هدف ارباب منتقدان و از سر راه برداشتن مزاحمان صورت می‌گرفت، پس از دوم خرداد هدف دیگری هم بر آنها افزوده شد: بدنام کردن خاتمی و نمایش ناتوانی او در حفظ امنیت کشور. زمینه‌سازی برای بحران و ایجاد سبیل خشنودی، تخریب وجهه بین‌المللی دولت خاتمی و پیروزی دوم خرداد به منظور پس راندن آنها از محور قرار دادن خاتمی و مساعده‌های اقتصادی برای بهبود اوضاع اقتصادی ایران که







## تاملی در سیاست و قدرت سیاسی

اغلب سیاستمداران سنتی در کشور ما علیرغم اینکه به اهمیت و نقش قدرت در سازمان‌های انسانی، اعم از دولت، حزب سیاسی، سازمان اجتماعی، سازمان اقتصادی و... واقف هستند، کوشش می‌کنند تا سبب خود به حفظ یا کسب قدرت سیاسی را بیاورند. سخن‌پردازی‌های اخلاقی، قانونی، شرعی و یا عاطفی پرده پوشی کنند. کوشش برای پنهان نگه داشتن این تمایل، در حالی انجام می‌گیرد که این قبیل افراد (چه در مسند قدرت باشند و چه نباشند)، به لحاظ نظری آنرا حق مسلم خود می‌دانند و در واقعیت زندگی، خود را شایسته‌تر از هر کسی برای آن می‌شناسند.

سیاست و سیاست‌گذاری از دیدگاه پیش سنتی، مبتنی بر حق انحصاری قدرت و نخبگان بوده و نافعی حق برابر و همگانی شهروندان جامعه است. در بینش سیاسی سنتی، شهروند معنای حقوقی و حقیقی ندارد و مردم حکم ابزار وسیله تحقق سیاست و اهداف سیاستمداران را دارند. سیاستمداران سنتی، سیاست را از لحاظ رقیبای خود را قاعدتاً «کاسه‌ای زیر نیم کاسه» و توطئه علیه خود می‌فهمند و سیاست‌های خود را، بر اساس توطئه و نفی حقوق شهروندان و مخالفان و رقیبای خود پایه‌ریزی می‌کنند.

مطابق بینش سیاسی سنتی، سیاستمدار باید بخشی از افکار، اهداف و سیاست‌های خود را از مردم و اطرافیان خود پنهان کند، ب راحتی از این مواضع اصلی به آن موضع بچرخد. به دوستان، رفقا و همکاران نزدیکش اعتماد نداشته باشد، هنگام مشورت با اطرافیان بگونه‌ای سخن بگوید که کسی به تصمیم او پی نبرد، زبانش چندپهلو باشد، بگونه‌ای که بتواند در هر شرایطی تفسیر و قرائت جدیدی از سیاست و تصمیم خود ارائه دهد، ب راحتی دروغ بگوید و در صورتی که دروغ‌هایش فاش شد بی‌راحتی بگوید من اینچنین نگفتم و آنچنان گفتم، بالاخره همیشه بتواند ایراد و اشکال و اشتباهات سیاسی خود را پرده پوشی کند. از منظر نگاه اندیشه سیاسی سنتی، مردم، همگان لایقاعقل و بی شعوری هستند که سعادت و خوشبختی خود را تشخیص نمی‌دهند و آن را باید از بیرون و از بالا (توسط نخبگان) به شهروندان و مردم اعمال کرد.

خواججه نصیرالدین طوسی گوید: «و باید که اسرار خود پوشیده دارد تابر اجالت رای قادر بود و از اقت مناقضت ایمن، و نیز اگر دشمن خیر باید، به تحرز و تحفظ، دفع تدبیر او بکند. و طریق معادله عقول آنست با احتیاج به مشاورت و استمداد عقول آن بود که مشاورت با اصحاب نیل و همت و عزت نفس و عقل و تدبیر کند که ایشان اذاعت رای نکنند، و با ضعای عقل مانند زنان و کودکان البته نگوید، و چون رای مصمم شود، افعالی که ضد آن را اقتضا کند با افعالی که مبادی امضای آن رای بود آمیخته کند، و از میل به یکی از دو طرف، یعنی طرف رای و طرف تقیض، اجتناب نماید که هر دو فعل مظنه تهمت، و از طریق استنباط و استتک آن فکر بود.» (ص ۲۱۰ اخلاق ناصری. خواججه نصیر الدین طوسی. انتشارات خوارزمی. چاپ آذر ماه ۱۳۳۲ هجری شمسی). سیاستمداران سنتی معمولاً می‌گویند ما قدرت سیاسی نمی‌خواهیم بلکه برای خوشبختی و سعادت مردم تلاش می‌کنیم. آقای بادامچیان که از سیاستمداران بنام جمهوری اسلامی است در یک مصاحبه می‌گوید، خدا لعنت کند ما را اگر به قدرت سیاسی فکر کنیم. آیت‌الله خمینی نیز قبل از رسیدن به قدرت می‌گفت ما قدرت سیاسی نمی‌خواهیم.

اما سیاست از دیدگاه اندیشه سیاسی مدرن -دموکراتیک، نه توطئه است نه مخفی‌کردن، نه در انحصار نخبگان است و نه در کوه و خیابان تعیین می‌شود، بلکه امری است مربوط به زندگی همه شهروندان و اقشار مختلف جامعه، همگانی و آشکار. سیاست، توطئه یک یا چند گروه و پیمان برای براندازی و نابودی گروه یا گروه‌های مخالف نیست، فرایند تنظیم نیازها، خواست‌ها و اهداف شهروندان و اقشار و طبقات گوناگون جامعه برای سامان دادن زندگی است که از طرف احزاب و سازمان‌های سیاسی، در یک پروژه نظرخواهی و نظرسنجی و گفت و شنود با شهروندان و مردم تدوین می‌شود و در معرض دید و قضاوت آنها قرار می‌گیرد. طبق اندیشه سیاسی مدرن - دموکراتیک، شهروندان و اقشار مختلف مردم حق و عقل و شایستگی آن را دارند که به برنامه‌ها و سیاست‌های پیشنهادی احزاب و سازمان‌ها را مقایسه کنند، به آنها رای بدهند یا ندهند، آنها را به قدرت برسانند یا نرانند، آنها را از قدرت سیاسی برکنار بکنند یا نکنند. احزاب و سازمان‌های سیاسی مدرن - دموکراتیک، برنامه و سیاست‌های خود را به شیوه آشکار و با احترام به عقل و رای شهروندان و مردم، با آنها در میان می‌گذارند تا شهروندان و گروه‌های اجتماعی مختلف، امکان مقایسه و دخالت و انتخاب و تغییر برنامه و سیاست و ترکیب‌های قدرت سیاسی و انگوری دولتی را داشته باشد. اندیشه سیاسی مدرن - دموکراتیک در کشور

مسا، اندیشه خردگرای نقاد، تغییرگر، دگرگون‌خواه و ایجادگر است و کوشش می‌کند مناسب و وضعیت واقعا موجود را بشناسد و از طریق تنظیم هوشیارانه اوضاع و تکیه بر مبارزات و آرای مردم، آنها را در جهت تحقق حقوق مدنی - دموکراتیک شهروندان و مردم تغییر و دگرگون سازد.

اندیشه سیاسی مدرن - دموکراتیک، این حق را برای احزاب و سازمان‌ها قائل است که رقیب و مخالفینشان را با رعایت قوانین دموکراتیک، از قدرت سیاسی برکنار کرده و خود (راسا یا در ائتلاف با دیگر احزاب و سازمان‌ها) به قدرت سیاسی برسند. حزب یا احزاب حاکم ملزم به رعایت حقوق دموکراتیک اقلیت یا اقلیت‌ها است. طبق این اندیشه، تلاش برای کسب قدرت سیاسی با رعایت قواعد دموکراتیک، نه توطئه است و نه مخفی‌کردن، بلکه حق مدنی - دموکراتیک شهروندان و اقشار و طبقات گوناگون جامعه و راهکار مدنی - دموکراتیکی است برای تغییر ترکیب قدرت سیاسی و جایجایی قدرت سیاسی میان نمایندگان منتخب مردم. یک حزب مدرن - دموکراتیک برای رسیدن به قدرت، بجای مخفی کردن اهداف، سیاست‌ها و راهکارهای خود از شهروندان و از رقیب و مخالفین خود و بجای تدارک توطئه علیه

سازمان‌هایی که مدعی هستند و حرفی برای گفتن برای مردم و شهروندان ایرانی دارند، اگر به برنامه‌ها و سیاست‌ها و راهکارهای خود اعتماد دارند باید زمامداران جمهوری اسلامی را به گفت و شنود آشکار و رودررو فرا خوانند. ایجاد جامعه مدنی، به شهامت مدنی و کارپرستی راهکارهای مدنی و دموکراتیک نیاز دارد.

اینکه قدرت سیاسی، فی‌نفسه و بطور کلی شر است یا خیر، بد است یا خوب، مورد بحث ما در این مجلد نیست. قدرت سیاسی هرچه هست، تا این لحظه از تکامل جوامع بشری، عنصر اصلی هر دولت (نظام سیاسی) بوده است و تا چشم‌انداز قابل پیش‌بینی نیز، همچنان خواهد بود. اضمحلال قدرت سیاسی و رخت برستن از آن زندگی بشری - علیرغم اینکه به لحاظ نظری و تئوری میسر است و ما طرفداران سوسیالیسم در عالم اندیشه و اخلاق به جامعه‌ای می‌اندیشیم که در آن هیچ قدرت سیاسی از جانب هیچ گروه اجتماعی علیه انسان و دیگری گروه‌های اجتماعی اعمال نشود - تا لحظه کنونی میسر نبوده است. قدرت سیاسی در طول تاریخ بشریت، با سرشت و محتوای گوناگون و با کیفیت و اشکال مختلف مطلقه و دموکراتیک، سلطنتی و جمهوری، دینی و سنتی و مدرن بوجود آمده و تغییر یافته ولی از بین

## سخنی با فدائیان خلق ایران در آستانه کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران

## پیرامون هدف سیاسی و سیاست‌های راهبردی و کاربردی سازمان

مجید عبدالرحیم‌پور

چنین صورتی، خواست‌ها و منافع و نمایندگان گروه‌های اجتماعی متعلق به نیروی کار و زحمت - نیرویی که فاقد قدرت اقتصادی و اطلاعاتی و ارتباطی و فاقد قدرت رقابت با صاحبان این قدرت‌ها هستند - حضور و تاثیر جدی‌تر و نیرومندتری در ساختار و نهادها و ترکیب و برنامه و تصمیم‌های دولت خواهند داشت.

در صورتیکه چنین نظرات و کنترل و داوری از بیرون و نظارت و کنترل درونی از درون، بطور سیستماتیک و مداوم بر دولت و نهادها و نهادها و دولت‌مداران اعمال شوند، زمینه برای تقسیم دموکراتیک‌تر قدرت سیاسی و در نتیجه برای کنترل قدرت‌های اقتصادی و... نیز فراهم می‌شود. (منظور از نظارت و کنترل درون دولتی این است که قوای دولتی نظیر قوه مقننه، مجریه و... در عین حال که تفکیک شده‌اند، با یکدیگر رابطه نظارت و کنترلی داشته باشند). متأسفانه جامعه ما، تا رسیدن به چنین تراز، فاصله بسیار دارد. در میان نیروهای سیاسی کشور ما، بحث اصلی هنوز این است که آیا مخالفت با قانون اساسی و دولت جمهوری اسلامی مخالفت با ولایت فقیه، دموکراتیک و اصلاح‌طلبانه است یا غیر دموکراتیک و اصلاح‌طلبانه است یا غیردموکراتیک و انقلابی است؟ آیا تلاش در راه مشارکت برابر حقوق شهروندان (زنان و مردان ایرانی) در حیات سیاسی جامعه و کشور، و تشکیل دولت مدرن - دموکراتیک تلاشی براندازانه است یا اصلاح‌طلبانه؟

## تشکیل دولت مدرن - دموکراتیک آرزوی ملی ایرانیان است.

در بسیاری از کشورهای جهان، دولت‌هایی وجود دارند که دارای قانون اساسی و قوای مجریه و مقننه و قضائیه هستند و حتی به شیوه انتخاباتی تعیین می‌شوند ولی قدرت سیاسی همچنان در اختیار و انحصار عده معدودی است و به شیوه غیردموکراتیک بر مردم اعمال می‌شود. هرگاه جامعه و دولت در این کشورها دچار بحران و تنش می‌شوند، بگونه‌ای که دولت نمی‌تواند سیاست‌های خود را بر جامعه اعمال کند، دولت اجباراً و بطور موقتی راهکارهای دموکراتیک بکار می‌گیرد ولی بعد از اینکه بر پاره‌ای از مشکلات غلبه کرد و بحران را بطور نسبی کاهش داد، مجدداً بر اصل خود که نفی حقوق شهروندان است برمی‌گردد. دولت شاهنشاهی پهلوی جزو این دسته از دولت‌ها بوده است. دولت جمهوری اسلامی نیز جزو اینهاست با این تفاوت کیفی که دین قاعده آن، ولایت فقیه ارکان آن و آرای شهروندان تابعی از آن قاعده و ارکان است.

دولت جمهوری اسلامی، بر مشارکت برابر حقوق شهروندان (زنان و مردان ایرانی) در حیات سیاسی کشور و راهکارهای دموکراتیک استوار نیست بلکه بر مبنای حق انحصاری احزاب و جریان‌های تشکیل شده است که معتقد به قاعده بودن دین و ارکان بودن ولایت فقیه در بود، قدرت سیاسی در دست ولی فقیه متمرکز بود. بعد از مرگ ایشان، بوژه بعد از دوم خرداد، قدرت سیاسی میان احزاب و جریان‌ها و جناح‌ها

و دولت مردان محافظه کار و اصلاح طلب معتقد به ولایت فقیه تقسیم شده و ولی فقیه نقش و وزن قبلی خود در قدرت سیاسی را از دست داده است. در پیدایش این وضعیت عوامل بسیاری دخیل بودند که ما نمی‌توانیم در این نوشته به بررسی همه این عوامل بنشینیم. اما گفتن دارد که چند عامل نقش مهمی داشتند. اول، فوت آیت‌الله خمینی، بعنوان عامل طبیعی. مرگ وی پروسه تجزیه سیستم سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه مطلقه را تسریع کرد، دوم به بن بست رسیدن سیستم مبتنی بر دین و ولایت فقیه در پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه و مردم، سوم، تغییر و تحول فکری و فرهنگی در ابعاد ملی از جمله در میان نیروهای جمهوری اسلامی، و چهارم، تسبیل شدن اکثریت مردم از دوست‌داران جمهوری اسلامی به مخالفان آن و گسترش مبارزات مردم و نیروهای آزادی‌خواه و دموکرات کشور که مهمترین آنها است. بعد از دوم خرداد، اصلاح‌طلبان دولتی، سهم بیشتری از قدرت سیاسی را به دست آوردند ولی بخش اصلی و عمده قدرت در دست جناح مقابل باقی ماند. اگرچه اصلاح‌طلبان دولتی کوشش می‌کنند اصلاحاتی را به عمل بیاورند و گام‌های مثبت و مهمی در جهت گشایش فضای سیاسی در جامعه و تضعیف استبداد و خشونت برداشته‌اند، ولی اهرم‌ها و نهادهای اصلی قدرت سیاسی همچنان در انحصار جریان‌ها محافظه کار معتقد به ولایت فقیه است. نه تنها هیچیک از چریانات سیاسی ملی - مذهبی، ملی و چپ بلکه آن بخش از نیروهای اصلاح طلب جمهوری اسلامی که مخالف ولایت فقیه هستند، نیز در قدرت سیاسی حضور ندارند. کدیور و آقای نوری که جزو طرفداران فقاقت نظارتی هستند، در زندان به سر می‌برند.

علیرغم تغییر و تحولات فکری و فرهنگی فراوانی که در میان نیروهای طرفدار جمهوری اسلامی در سمت اندیشه سیاسی مدرن - دموکراتیک، بوجود آمده است، متأسفانه، بخش عمده سیاست‌گذاران اصلاح طلب دولتی هنوز برنامه مشخصی برای توسعه سیاسی ارائه ندهاده‌اند و اندیشه سیاسی و سیاست‌های راهبردی و کاربردی آنها، دارای تناقضات فراوان است. این بخش، هنوز، هم دولتی استوار بر قاعده و ارکان دین و ولایت فقیه را می‌خواهند و هم توسعه سیاسی و جامعه مدنی و مردم‌سالاری را. این نیروها علیرغم تغییراتی که در فکر و سیاستشان بوجود آمده است، هنوز کوشش می‌کنند بشیوه سنتی، هرچیز شده، از دین و شریعت و فقاقت اسلامی، واژه‌هایی نظیر دموکراسی، توسعه سیاسی، جامعه مدنی و بیطرف صنعتی... را بیرون کشند و نشان دهند که اسلام و جمهوری اسلامی در ذات خود، راه‌های نسوینی را برای توسعه سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه دارد. راه‌هایی که تاکنون کشف نشده است. البته، این تناقضات مایه خوشحالی ما است. نیروهای آزادی‌خواه کوشش می‌کنند این تناقضات اصلاحی و آزادی و دموکراسی و حاکمیت مردم‌سالاری حل شود. وجود این تناقضات در فکر و فرهنگ و سیاست اصلاح طلبان دولتی نشانی از تغییر و تحولات در میان آنها و بازتابی از تغییر و تحولات فکری و فرهنگی و سیاسی است که در ابعاد ملی در جامعه جریان دارد.

## ایران مال همه ایرانیان است.

مشارکت برابر حقوقی ایرانیان در حیات سیاسی کشور، جزو حقوق مدنی - دموکراتیک شهروندان و مرکزی ترین مساله توسعه سیاسی جامعه با مضمون دموکراتیک است. ایران مال همه ایرانیان و تشکیل دولت مدرن - دموکراتیک و تحقق آرزوی ملی ایرانیان در گرو مشارکت بربر حقوق همه ایرانیان (زنان و مردان) است.

سیاست راهبردی بخش عمده سیاست‌گذاران اصلاح طلب درون دولتی، هنوز مبتنی بر دفاع روشن و آشکار از مشارکت برابر حقوق و همگانی ایرانیان در حیات سیاسی کشور نیست. آنها هم از نظام دینی و ولایت فقیه بعنوان قاعده و ارکان حکومت جمهوری اسلامی دفاع می‌کنند و هم از حقوق مدنی - دموکراتیک شهروندان و حاکمیت مردم‌سالار. سیاست کاربردی این بخش تا لحظه کنونی معطوف به ایجاد اصلاح مترقی - دموکراتیک در قانون اساسی، در ساختار و قدرت سیاسی به منظور حضور شهروندان و نیروهای سیاسی دگراندیش در آنها نبوده است. بخش دیگری از اصلاح طلبان دولتی در جهت شکستن مرزهای خودی و غیرخودی، طرح ضرورت اصلاح قانون اساسی و دفاع از حقوق دیگر نیروهای سیاسی و دفاع حاکمیت مردم‌سالاری، گام‌های موثری برداشته‌اند و ایران را برای همه ایرانیان مترقی می‌خواهند. این گام‌ها، برای ایجاد اصلاحات مترقی بسیار ضروری ولی به هیچوجه کافی نیستند. برای ایجاد اصلاحات مترقی - دموکراتیک، به تلاش و مبارزه و گام‌های جدی تری نیاز است.

بخش عمده مردم ایران و نیروهای فکری فرهنگی و سیاسی کشور، مخالف ولایت فقیه ادامه در صفحه ۱۱

## طرح بحثی پیرامون زندگی درون سازمانی

اسد بهمنی

## خانه شیشه‌ای تاریک

خسرو باقرپور

بیشتر آیین‌نامه‌های دارد تا ساختاری یا اینکه هر دو با هم را. در طرح آمده «شورای مرکزی بر گمارنده». سوال این است که آیا از کنگره اول تا بحال ما کسی را در رابطه با پذیرفتن مسئولیت «برگمار» کرده‌ایم، پس چرا از لغاتی آن هم در اسنادمان استفاده می‌کنیم که یا راه و روش ما بیگانه است و کاربردی ضددمکراتیک در عرصه ساختاری دارد. اشاره شده است «شورای سیاست‌گذار» یا «سیاست‌گذاری‌های عمومی و حیاتی». کنگره چنین حقی به شورا نداده که «سیاست‌گذار» باشد و یا اینکه در عرصه‌های عمومی و سیاسی و حیاتی خط مشی تعیین کند. شورا مجاز به اتخاذ تاکتیک سیاسی در عرصه‌های مختلف در چهارچوب برنامه مصوب می‌باشد. چنانچه اتفاق ویژه یا رخداد اجتماعی خاصی در کشور روی دهد که در زندگی هر حزبی امکان دارد، یک‌سوم اعضا شورا می‌توانند و حق دارند کنگره فوق‌العاده را فرا خوانند و به چاره‌جویی بپردازند. در طرح آمده «نظارت بر هیئت سیاسی - اجرایی و بحث و اظهارنظر پیرامون گزارش آن». آیا یک مشکل دمکراتیک متشکل از ۱۷ عضو می‌تواند بر کارکرد تشکل منتخب در آن تشکل ۹ نفر نظارت و کنترل کند؟

کمیته که در طرح برای هیئت سیاسی - اجرایی پیش‌بینی شده در تضاد آشکار با دمکراسی است. البته ناگفته نماند که تنها بند زیر در طرح به اجرا درآمده «ترمیم هیئت سیاسی - اجرایی و ایجاد تغییرات لازم در آن». رفقا تا مقطعی سه لایحه از هیئت سیاسی - اجرایی را با نام‌های مختلف انجام می‌دادند. در رابطه با مشاوران آمده «مشاورین مسئولین واحدهای کشوری» گرچه یکی از اهداف طراحان ممکن است ارتباط جاندار و همه‌جانبه ارگان مرکزی یک حزب با سایر اجزایش باشد که کاملاً اصولی و منطقی است، اما آیا شیوه دمکراتیک‌تری برای برقراری این ارتباط وجود ندارد؟ اگر اعضایی از شورای مرکزی ۱۷ نفره مسئولیت کشورخواهی را بپذیرند اشکال چیست؟ طرح معلوم نمی‌کند کمیته و کیفیت کشورها را، کشوری که ۴ عضو دارد با کشوری که ۴۰ عضو دارد چه فرقی دارند. اصلاً چرا باید مشاوران حزبی مسئولین تشکیلات باشند. مشاوران حزبی باشند بر حسب تخصص و تجربه خاص خود ممکن است آشنایان و تجربیه سابقه فعالیت مستند در یک حزب باشد و ممکن است عضوی با سابقه نه چندان زیاد دانش و تجربه خاصی داشته باشد که مشاور یک حزب شود. معلوم نیست چرا شورای مرکزی مستقیماً و بدون شرکت در انتخابات می‌تواند با رای به کنگره بیاید و مشاورین از این حق محروم هستند. برابرحقوقی کلیه اعضای حزب را باید در تمام سطوح تعمیم داد.

نگاه طرح به مشاوران همان نگاه سابق کمیته مرکزی به مشاوران بود که در پلنوم کمیته‌های مرکزی شرکت می‌کردند و با نداشتن حق رای از مشارکت و تأثیرگذاری بر حیات سازمان در عرصه‌های مختلف محروم بودند. در طرح آمده «شیوه انتخاب نسبی است» معلوم نیست بجز یک اصطلاح کلی ریاضی برنامه کار و ... «شورای مرکزی حق دارد با دو سوم آرا و حداکثر به اندازه یک سوم تعداد اعضای انتخابی اولیه خود را ترمیم کند». اگر مقصود این است که «اعضای اولیه انتخابی» اعضایی هستند که به نسبت معین نرسیدند یعنی اینکه انتخاب نشده‌اند. معلوم نیست چه بحران در جامعه یا حزب بوجود آمده که می‌خواهد یک سوم ترمیم کند.

باید خاطر نشان کرد که پس از کنگره اول تا به حال ما دستاوردهائی در زمینه زندگی درون‌حزبی خود داشته‌ایم. کلیه ارگان‌های عملاً مسجود انتخابی است و چنانچه افرادی در ارگان‌های معینی هم منصوب گشته‌اند با مشاورت و تمایل افراد بوده است. پذیرفتن مسئولیت در سازمان ما داوطلبانه است. از طرف دیگر قیل از برگزاری کنگره ما اسناد و مباحث خود را در اختیار جنبش قرار داده‌ایم، از نیروهای چپ ملی و دمکرات در اجلاس‌های پس از کنگره خود در رابطه با موضوعات مبتلا به جامعه جهت بحث و گفتگو، تصحیح و تدقیق راه مشترکی را که در پیش داریم، دعوت به عمل می‌آوریم.

پیچیده‌گویی و طرح مسائل سیاسی در بردای از ابهامات و اتخاذ مواضع غیرروشن که بعدها بتوان حاشایشان نمود یا آنان را توجیه کرد از خصایص پرگماتستی فرستجو است که در عرصه سیاست ایران نماینده بارز را می‌توان چهره آقای هاشمی رفسنجان مشاهده کرد. شخصیتی که اعمال و کنش و کارکرد سیاسی وی آدمی را به یاد شخصیت (هزارستان) در سریالی تلویزیونی با همین نام ساخته زنده یاد علی حاتمی می‌اندازد. چون در این مقال قصد پرداختن به ضرورت طرح عنصر صراحت در امر سیاست و سیاست‌گذاری است به نمونه‌هایی گزیده و کوتاه از آن در سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و در نگاه سیاسی برخی از سیاست‌گذاران درون آن می‌پردازیم و رابطه آن را با امر تدوین برخی از اسناد پیشنهادی به کنگره پی می‌گیریم.

\*\*\*

### پیر ماگفت خطا بر قلم صنع نرفت

آفرین بر نظر پاک خطا پوشش داد  
گفتنمان سیاسی پیچیده در مه ابهامات که از زاویه‌های از زیر چشم به منظر قدرت و نیروی قاهر سیاسی حاکم صورت می‌گیرد، نسبت دیرینه‌ای است که برخی از سیاست‌گذاران سستی سازمان ما به آن منتسب‌اند. این خصیصه چنان کارکردی یافته است که حتی جسورترین افرادی که مواضعشان را سابقاً بسیار روشن در سازمان مطرح کرده و این خود اسباب نفوذ و محبوبیت و اعتبار آنان بوده است نیز به دفاع از این برده‌پوشی در متد برخورد برخاسته‌اند، به عنوان مثال به بخشی از یکی از سخنرانی‌های رفیق امیر ممینی در کنگره چهارم در رابطه با اسناد ارائه‌شده از جانب رفیق قریح نگهدار در آن زمان توجه کنید: (بعضی‌ها می‌گویند که فرخ پیچیده می‌گوید شما اگر سیاست‌مدار باشید بپذیرید که او نمی‌تواند همه چیز را صریح بگوید) با این استدلال باید چنین نتیجه گرفت که پیچیدگی از ملزومات سیاست است و بر فرض اگر هم چنین باشد آیا اخلاقی هم هست؟ رفیق ممینی ادامه می‌دهد: (در عالم سیاست «سیاست به مثابه علم» ابهام گاهی اوقات به مفهوم انعطاف است در حالی که صراحت معنایش بی انعطافی است. سیاست ترقی‌خواه در بسیاری موارد مجبور است که مبهم بشود نه به خاطر کلاه‌گذاری بر نیروی خودی بلکه به خاطر کسب امکان انعطاف. بنابراین این اصطلاح که ابهام یعنی توطنه از نظر علم سیاست آن مفهوم را ندارد که اکنون در سازمان ما هست. سازمان ما (بخوان نشریه کار) با خطوط سیاه و سفید و مرزهای خیلی روشن و مشخص حرف می‌زند و این به کاری می‌ماند که سپاهیان قدیم می‌کردند، آنها برای جلوگیری از فرار خویش پشت سر خویش آتش می‌افروختند، ما پشت سر دشمن خویش هم آتش می‌افروزیم تا راهی جز رویارویی محتوم نماند.) اصولاً طرح عنصر صراحت در تدوین سیاست هم به نیروی خودی و هم به نیروی مخاطب اشتراکات و افتراقات را با سیمایی روشن می‌نمایاند و به طرف مورد خطاب امکان نگرش به سیمایی را می‌دهد که به روشنی به وضوح و به سلامت چهره خویش را گشوده است، این چه‌چهره گشوده علاوه بر اینکه طرف مقابل را نمی‌رماند که امکان چانه‌زنی و حتی وفاق را هم سهل‌تر می‌سازد. علاوه بر این سیاست ما در میان تمام گرایشات فکری درون سازمان سیاستی مبتنی بر رویارویی نیست و تمام گرایشات دارای وزن و نیرو در درون سازمان بیشتر به نکات اشتراک خویش با نحلله‌های فکری بیرونی می‌نگرند. این نوع تفکر نهفته در نگاه سیاسی رفیق ممینی را با سخنان خانم فائزه هاشمی مقایسه کنید تا اشتراک جوهری نهفته در آنان را دریابید: (من معتقدم شفافیت یک شعار است آن هم برای ایجاد هیجان و جوکاذب تا در جامعه موجی ایجاد کنند و بر آن سوار شوند... نمی‌شود ما انتظار داشته باشیم که در همه شرایط و در مورد همه افراد یک روش و آنهم شفاف داشته باشیم، مطمئناً حرفی که آقای هاشمی به عنوان رئیس مجمع مصلحت نظام یا آقای خاتمی به عنوان رئیس جمهور می‌زنند با حرفی که من یا مرعشی یا عباس عیدی می‌زنیم فرق دارد، بنابراین نباید انتظار داشت که آقای هاشمی با آن جایگاهش

مثلاً ما عمل‌کنند و مستقیم و شفاف حرف بزنند. (متن سخنان خانم فائزه هاشمی در جمع کارگزاران سازندگی مندرج در روزنامه صبح‌امروز یکشنبه ۵ دی ماه ۱۳۷۸) سازمان سیاسی را به مثابه ابزار برای استفاده نظری خویش فرض کردن، دوختن چشم خویش به دست و دهان قدرت، در سیاست‌گذاری و اتخاذ مواضع سیاسی بی‌توجهی به امر و نقش عامل مردم و جنبش آنان، و در عوض نیروی در قدرت سیاسی را همیشه مدنظر داشتن، اعتقاد به این نظر که امر تحول سیاسی در کشور تنها و تنها در چهارچوب روابط و تحولات و مناسبات نیروهای حاکم تحقق آید، سعی در تنظیم مناسبات و اتخاذ سیاست‌ها در جهت نزدیکی به نیروی حاکم یا داستانی با لا گرفته و بدون امتیازی در مثن، امید به حل مشکلات اجتماعی از کانال نگرستن فقط و فقط به نیروی حاکم و جناح‌بندی‌های درون آن، و عاقبت همه اینها در کنار عدم صراحت و قایم باشک سیاسی رفیق نگهدار است. و این همه برخلاف نگرش رفیق ممینی نه ربطی به اشراف به علم سیاست دارد و نه ربطی به ضرورت امر انعطاف در مواضع سیاسی. ناروشتی و عدم صراحت در تدوین سیاست از اسباب و آلات اندیشه‌های دیکتاتورمنشانه و منسوخ است با دیکتاتوری نمی‌توان از دمکراسی دفاع کرد. رفیق نگهدار به پشتوانه اعتباری که از دولت و جاحات و تاریخ سازمان دارد خواهی نخواهی مورد توجه نیروهای دوست و دشمن سازمان ما مورد مراجعه آنان است پس بسیار نیکوست که این اعتبار چنان مصرف افتد که اعتبار و وجاحت سازمان را در عرصه سیمایی مردمی آن هر دم بیافزاید، هر چند نگارنده باورمند است که در حیات سیاسی کشور ما نقش شخصیت‌ها در تحولات سیاسی در بسیاری موارد از عوامل عینی تحول بالاتر است و این خود اسباب اسف. افق دید و تفکری که بالاتر ذکر آن رفت نبودنی بسیار بارز در امر نگارش اسناد جهت ارائه به کنگره ششم سازمان ما یافته است که بسیار مختصر به آن می‌پردازیم.

\*\*\*

### هر دم از این باغ بری می‌رسد

تازه‌تر از تازه‌تری می‌رسد  
مساله‌ای که موجب تاسف بسیار شده است این است که در برخی از اسناد پیشنهادی به کنگره ششم از موضع‌گیری در مقابل وجود قاهره ولایت‌فقیه و نقش مخرب آن در عرصه سیاست و حکومت در ایران خودداری گردیده و فقیه چراغ استبدادستیزی پایین کشیده شده است، و حتی پرداختن به موضوع نفی ولایت‌فقیه به مفهوم ایجاد تشنج و آشوب در عرصه حیات اجتماعی ایران تعبیر شده است. در سند ارائه شده از جانب رفیق امیر ممینی از تحدید (به معنای محدود شدن) ولایت فقیه سخن به میان رفته است و نه از نفی آن اما همان جا از نفی استبداد سخن به میان رفته است. معلوم نیست که نویسنده چه فرقی میان ولایت‌فقیه و مضمون آن با لفظ استبداد یافته است که خواهان تحدید اولی و نفی دومی گردیده است.

در جایی دیگر هم این سند چنین آورده است: (ولایت مطلقه فقیه در چشم‌انداز توسعه سیاسی باید جای خویش را به یک ساختار دمکراتیک بدهد) در حالی که چشم‌انداز توسعه سیاسی با نفی ولایت‌فقیه و هر دیکتاتوری فردی تازه پدیدار می‌شود. در برنامه رفقا جوشنی و نگهدار نیز نه از ضرورت نفی ولایت‌فقیه به مثابه نفی استبداد دینی بلکه از حق مخالفت با ولایت‌فقیه صحبت رفته است که معنای روشن آن این است که این سند ماندگاری ولایت‌فقیه را در شرایط امروز ایران

ناگزیر می‌داند ولی برای مخالفان آن حق مخالفت با آن را می‌طلبد. عجیب و غریب‌تر این که در حالی که اصلاح‌طلبان داخل کشور خواست‌های نوینی چون حق ایجاد احزاب و حق نشر روزنامه و جریده بدون احتیاج به کسب اجازه از ارگان‌های دولتی را طلب می‌کنند این سند خواستار مراجعه مدیر مسئول و سردبیر نشریه کار به وزارت ارشاد برای گرفتن مجوز نشریه کار و همچنین اخذ اجازه از این وزارت‌خانه برای انتشار و توزیع یک نشریه مستقل در داخل و خارج از ایران گردیده است. البته یک بار و در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب مسئول وقت نشریه کار به (پیشنهاده) دوستانمان برای چنین کاری به مقامات دولتی مراجعه کرد ولی دیگر هیچگاه باز نیامد. مایه تعجب است که چگونه این سند که خواستار مجوز برای انتشار نشریه کار از ارگان‌های دولتی شده است اجازه فعالیت خود سازمان را از وزارت کشور درخواست نکرده است، امکاناً یا نویسندگان سند یادشان رفته است و یا معتقدند که سازمان ما منحل اعلام نشده است.

\*\*\*

### هر چند آن آرام دل دائم نبخشد کام دل

نقش خیالی می‌کشم فال دوامی می‌زنم  
قدرت نامحدود و فشار فوق‌العاده استبداد مذهبی و نمادهای آن برخی از سیاستون ما را نگران و ناامید کرده است که به قبول نسبی از مشروعیت این استبداد و پذیرش شکل ملایم‌تری از آن مجبور شده‌اند. این قضیه به ملایم شدن محصولاتی مانند کاکا کولا و سیگار شبیه شده است. صاحبان صنایع سیگار و نوشابه‌سازی در سیگار میزان نیکوتین و در کولا میزان شکر و کافئین را به خاطر اشراف مردم به مضرات آنان کم کردند، محصولاتی با نام‌های (کولا لایت) و (مارلبورو لایت) به بازار آمد، توقف‌گرایان درون سازمان ما هم با درخواست کم شدن میزان استبداد ولایت‌فقیه پدیده‌ای با مضمون (ولایت لایت) می‌طلبند! در تدوین این سیاست به این مسأله توجه نمی‌شود که اصولاً همانگونه که مصرف سیگار در تمایز آن برای تندرستی زیان‌آور است، وجود پدیده‌ای با ماهیت شبان‌رمگی و با نام ولایت‌فقیه امر برقراری دمکراسی و آزادی را ناممکن می‌سازد. این سیاست در تدوین خویش حتی به امر تحقق آزادی‌های لیبرالی که روند عرفی‌گرایی دینی را مورد نظر قرار می‌دهد نیز وفادار نیست. به بیانی دیگر روح حاکم در سند یاد شده در بالا سیمای خواستار تغییر ندارد، توقف‌گرا است دارای سیاستی خواستار ثبات وضع موجود است و البته با سیمایی غیرروشن.

نقصان بزرگی که دانگری ما است عنصر عدم رابطه مناسب و در خور با مردم میهنمان است. این ارتباط با عمده کردن و نگرستن به قدرت حاکم و با محصور شدن در مقدرات اصلاح‌طلبان حکومتی یا کل حکومت برقرار نمی‌شود، باید راه‌کاری اساسی اندیشید و فریاد آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی فدائیان این نحله فکری هجران کشیده را به گوش مردم ایران رساند، اگر چنین نشود در این غربت غریب پیر می‌شویم و می‌میریم. هجران و عدم حضور ما در صحنه سیاسی میهن عزیزمان ایران صرفاً ضعف یا عدم رابطه‌ای که استبداد بین ما به وجود آورده نیست بلکه سیاست‌گذاران بی‌افتخار هم در این هجران نقش دارند. این ثبات منفی و مرده را باید برهم زد. باید به تدوین سیاستی منعطف و در عین حال مردمی، آزادی‌خواهانه، عدالت‌پژوهانه، و روشن و صریح کمک کرد.

نمی‌شود از اندیشه (حزب شیشه‌ای) دفاع کرد ولی درون آن را تاریک طلبید. حزب شیشه‌ای حزبی روشن است.

کار را از هر طریق ممکن  
به دست خوانندگان آن در داخل کشور برسانید!

### کودتا، انتظاری پیهوده و عبت!

حسن درویش پور

آیا وقوع کودتا حتی است؟ اگر منظور از کودتا اشاره به طرح «اغتشاش ۳» است، باید اضافه کرد که این طرح مراحل تکمیلی همان استراتژی است که مضمون آن در طرحهای قبلی افشاء گردید. هدف این طرح ایجاد بحران و شکان در جبهه دوم خرداد است، نه کودتا! گرچه جهان شاهد صحنههایی است که افراطیون لجوجانه بر طبل فرادستی ایدئولوژی بر سیاست و دیگر عرصه‌های زندگی می‌کوبند، در عوض محافظه کاران دوراندیش، سخنان خاستی را که خواهان اصلاحات در ساختار سیاسی است، اما کم‌جزئیاتیکه خوش‌بینی مفرط در عرصه سیاسی از آنجانبه‌ها چشم‌پوشی می‌کنند، بی‌پشتی نیست. فرض را بر آن می‌گذاریم که هدف اغتشاش‌گران غافلگیر کردن متحدان خود و تحمیل و پذیراندن کودتاست. اینکه استدلال نیروهای افراطی در چه سطح و تا کجا در جلب و همراهی محافظه کاران میانه می‌تواند موثر باشد، یکی از موضوعات گره‌ای است و نیاز به تحلیلی مستقل دارد؛ معذالک این استدلال که تاکتیک کودتا را موکول به نتایج انتخابات مجلس نسودن بیانگر واقعیتی است که خشنونت طلبان از روی استیصال و تردید به آن پناه برده‌اند و نمی‌توان آنرا ناشی از تصمیم و اراده منسجمی دانست و چنین کودتایی نتیجه‌اش از پیش روشن است. وانگهی سخنان آپت‌الله‌خانه‌ای (در سیزده بهمن)، خصوصاً تأکید او در پاسخ به اظهار نظر خانم آلبرایت، حاکی از خوش‌بینی است و نشان داد که به نتایج انتخابات امیدوارند و عملاً با خشنونت طلبان همراه نخواهند شد.

مضافاً، وقتی مضمون استراتژی نیروهای افراطی و خشنونت طلب، فراتر از تشدید قوانین فعلی و خشنونت‌های غیرمستقیمی که اینجا و آنجا علیه مخالفین و اصلاح‌طلبان بکار می‌گیرند است، تعویق کودتا و موکول کردن آن به نتایج انتخابات بی‌معنی و کاملاً سقیم بنظر می‌آید. از درجه نگاه آنان، سالی که گذشت،

مجلس پنجم، دادگاه ویژه روحانیت، دادگاه مطبوعات و حتی نظارت استصوابی شورای نگهبان، علیرغم کوشش مسئولین در مجموع نتوانستند کارائی موثری علیه اصلاح‌طلبان داشته باشند. حتی خشنونت آنان در هیجدهم تیر ماه علیه دانشجویان، بدلیل محدود بودن دامنه عمل آن، هرچند موجب عصب‌نشینن اصلاح‌طلبان شد، اما بعد از مدتی منجر به نتایج معکوس گردید.

بدیهی است این استدلال که بقصد گسترش دامنه خشنونت، دین‌بازاری را پوشش مناسبی برای حفظ یا افزایش قدرت خود نموده، علی‌الظاهر رهبری را نیز به چالش طلبیده که چرا در برابر خاتمی مامات می‌کنند؟ طرح چنین ایده‌ای قبل از آنکه قدرت تدارکاتی و بسیج داشته باشد، در شرایط فعلی جنبه تبلیغی دارد تا با بحران‌سازی نتایج انتخابات را تغییر دهد. هدف اساسی نیروهای افراطی، معطوف به محدود و بی‌خاصیت کردن جنبش اصلاح‌طلبی است تا از این طریق هم زمینه سرخورگی توده‌ها را مهیا سازند و هم بار دیگر تاریخ مصرف خود را تمدید کنند.

مستافانه برخی از ناظران و مفسرین سیاسی خارجی، که اکثراً ژورنالیستها و آنها در سطح متوسط؛ بجای تعمیق در پیچیدگی قضایا، به روده‌های نوسانی و درگیری‌های ظاهری توجه می‌کنند و از زمانیکه مصباح یزدی و دیگر کادربانان مدرسه حقانی، بعنوان مدافعین بی‌چون و چرای خشنونت، در عرصه سیاست ایران علنی شدند و خود را در بورس درگیری‌های جناحی قرار دادند؛ احتمال هرگونه حادثه، حتی کودتا را در ایران قریب‌الوقوع می‌دانند. این نوشته به هیچوجه قصد ندارد موضوع کودتا را بعنوان شکلی از خشنونت و آسیب اجتماعی که ملت ما را تهدید می‌کند، نادیده انگارد. چه بسا ممکن است کودتا تحت تأثیر عوامل خارجی، بخاطر جنگ با همسایگان، حضور غیر متعارف و دخالت جمهوری اسلامی

انتخابات مجلس ششم که بگوندی تفکیک‌ناپذیر با فرایند اصلاح طلبی و تحولات جاری بر سر تسخیر و کسب اهرمهای قدرت گره خورده‌اند، بسهم خود موجب شدند تا محافل سیاسی جهان بخصوص کشورهای منطقه به آن توجه و حساسیت ویژه‌ای نشان دهند. از میان مجموعه گفتار و نوشتار هفته گذشته، صرف نظر از مصاحبه دویشلو و شاید هم تا حدودی تحریک‌آمیز خانم آلبرایت، که روابط دو کشور آمریکا و ایران را موکول به بعد از انتخابات مجلس نمودند؛ نگرانی روشنفکران و مطبوعات عربی مبنی بر احتمال قریب‌الوقوع بودن کودتا در ایران، موضوعیست قابل تأمل و نباید بسادگی از آن گذشت.

اغراق‌آمیز نیست اگر گفته شود که جنبش‌های فکری و سیاسی در ایران، هر چند خود ایرانیان در بهره‌گیری و تحقق این ایده‌ها کاملاً متعهدند، معذالک به سهم خویش عاملی موثر در باروری و ارتقاء اندیشه روشنفکران منطقه و شمال آفریقا بودند. سنت بجای مانده از قرن گذشته دقیقاً حاکیست که روشنفکران منطقه پیش از آنکه تحت تأثیر انقلاب اکثریت باشند، بدلیل مشابهت زندگی سیاسی و اجتماعی؛ بیشتر با انقلاب مشروطه، نهضت ملی شدن نفت و انقلاب اسلامی مانوس بودند. از این لحاظ درک این نکته حائز اهمیت اساسی است که شکست اصلاح‌طلبان در ایران می‌تواند بسهم خود تأثیر مخربی بر تفکر مردم منطقه که هم اکنون به آن چشم دوخته‌اند که شاید بنوعی بتوانند از آن بهره‌گیرند، داشته باشد.

نگرانی مطبوعات کشورهای عربی از این زاویه قابل درک‌اند. گرچه آنان تنها به یک جنبه از خشنونت تأکید داشتند، و علیرغم پاسخ منفی به آن، یادآوری این نکته ضروریست که خشنونت در هر لحظه ممکن است به صورت مختلف مظاهر گردد و این یکی از موضوعات اصلی و اساسی است و ایرانیان را متعهد می‌سازد تا بیشتر در این مورد بیاندیشند. به همین دلیل باید قدمی فراتر از اخباری که گزارش شده‌اند برداشت و تنها به گزارشی که اخیراً مصباح یزدی ایدئولوگ خشنونت طلبان اسلامی همراه با گمشدگان جلاشد فلاحیان و حسین شریعتدار، تحرک تازه‌ای از خود بروز می‌دهند، اکتفا نکنند؛ بلکه مجموعه اطلاعات هنگی بر یک نکته اتفاق نظر دارند که نیروهای افراطی و جمعیت مؤتلفه، نقش «اغتشاش ۳» را برای براندازی در دست اجرا گذاشته‌اند.

کستری نشان می‌دهند، پس از آگاهی از فسادهای مالی، سیاسی و اخلاقی «خشک مقدسان» افراطی، حضور آنان را در قدرت سیاسی، مضر بحال جامعه و اسلام می‌دانند. نسل جدید، نسلی که زیر روش زندگی اسلامی تربیت شدند و همه‌جا ملزم به رعایت اصول آن بودند، هم اکنون بر اساس نیازهای سنی از فرهنگی استقبال می‌کند که از بسیاری جهات با فرهنگ عرضه‌شده توسط ارگانها و رسانه‌های نظام، یعنی فرهنگ رسمی مغایرت دارد. و مهمترین مردم ما در چهار انتخابات گذشته، بدلیل استقبال چشمگیر از انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای شهر و روستا، یعنی انتخاباتی که در راستای تقویت جمهوریست و مشارکت مردم را در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نوید می‌داد؛ نشان دادند که ناظرین بی‌طرف و نیروی خارج از گود نیستند. اگر نمودار سیاسی سه ساله اخیر را مجدداً بازگشاییم، خطا و نوسانات کوتاه و بلندش بیض مردم در حال مرگ را به نمایش می‌گذارد. هر چند تاکتیکهای نیروهای افراطی، روند اصلاحات را در جامعه کند و آرام خواهد کرد، اما در پس هر توقف کوتاه، نتایج معکوسی را نصیب محافظه کاران خواهد کرد. چنین روندی بدون هیچ تفسیری تایید نیست بر ناکارآمدی حکومتشان و یک حکومت ناکارآمد، هیچگاه قادر به کسب مؤلفه‌های کودتا نیست. هدف افراطیون تنها بحران‌سازی است. چنین سیاستی قبل از آنکه بحساب هنرمندی و توانایی مدیریت نیروهای افراطی گذاشته شود، باید بر پای روزه اعمال مذبذب و تنگ‌نظرانه نیروهای اصلاح‌طلب نوشته شوند.

اصلاح‌طلبان، بخصوص لایه‌های چپ آن در گذر از سنت به مدرنیته، گرچه به گذار آرام و دموکراتیک پایبندند اما برخی از آنها پیچیده حاضر نیستند قوانین عام گذار دموکراتیک را که در سایر کشورهای جهان تجربه شده و گذشت زمان عامیودن قانون تغییر را بارها به اثبات رسانده است، بپذیرا شوند. آنان با تنگ‌نظری خاصی، در جستجوی راه‌حلهای اسلامی ایرانی هستند تا با معیارهای ذهنی ملی مذهبی‌شان مطابقت کند. به همین دلیل نه تنها خود را از حمایت همه جانبه اپوزیسیون اصلاح‌طلب و چپ دمکرات، که دفاع از اصلاح‌طلبان را بخاطر تحقق وفای ملی و... استراتژیک می‌دانند، محروم می‌سازد بلکه همین پاشنه آشیل، قدرت مانور نیروهای افراطی را بیشتر کرده و زمینه تهاجمشان را هموار کرده است.

### پیرامون هدف...

تلاش سازنده در دولتی تأمین حقوق مردم و الزامات گسترش و ژرفش جنبش است.

اصلاح‌طلبان دولتی بخاطر مقام و موقعیت حساس و تاریخی که مردم ایران با رای خود نصیب آنها کرده است، در برابر مردم ایران و سرنوشت کشور نقش و مسئولیت سنگینی دارند. اگرچه نیروهای آزادی‌خواه، می‌توانند با اتخاذ سیاست‌های راهبردی و کاربردی درست، آنها را در امر ایجاد اصلاحات مترقی یاری برسانند ولی آنها را در برابر مردم ایران مسئول و پاسخگو هستند.

کوشش کسانی که همه ظرفیت‌های جنبش را در رهبری اصلاح‌طلبان درون دولتی خلاصه می‌کنند و سیاست راهبردی و کاربردی خود را در چارچوب رهبری آنها محدود می‌کنند، برای پیشرفت جنبش زیان‌بار است. اما کوشش آنان که می‌خواهند به دلیل وجود تناقضات و محدودیت‌های فکری، برنامه‌ای و جنبش اصلاح‌طلبان دولتی، و بدلیل ظرفیت بیشتر سیاسی چشم بر نقش و اهمیت این نیرو در حیات سیاسی کشور بربندند، زیان کمتری ندارد.

سیاست راهبردی و سیاست‌های کاربردی سنگره پنجم سازمان فدائیان خلق ایران بر مبنای دفاع از حقوق مردم ایران تدوین شده است. کسانی که در پی بهانه‌های مختلف از جمله بهانه توازن قوا، ناپدید می‌گردند، دچار خطای فکری و سیاسی خطرناکی هستند، برخی از رقفا و دوستان نظیر فرخ نگهدار و رضا جوشی، برنامه و اهداف خودشان را تا آنجا کاهش داده‌اند که حتی مبارزه و تلاش مسالمت‌آمیز در راه تشکیل دولت مدرن - دمکراتیک را، از برنامه خود حذف کرده‌اند. تشکیل دولت مدرن - دمکراتیک سال‌های درازی است که به آرزو و هدف ملی ایرانیان بدل شده است. فدائیان با صدای رسا باید بگویند که در راه تحقق این آرزو و هدف ملی مبارزه می‌کنند.

اقدامات مترقی اصلاح‌طلبان دولتی، بطور صریح و آشکار حمایت کنند، از سوی دیگر محدودیت‌ها و تناقضات فکری و برنامه‌ای و سیاسی آنها را بطور آشکار و روشن با آنها و با مردم در میان بگذارند. کاربرد سیاست یگانه‌اندستد و عدم حمایت آشکار و روشن از گام‌های مثبت و مترقی اصلاح‌طلبان دولتی به دلیل وجود تناقضات و محدودیت‌های فکری و سیاسی و اشتباهاتشان، نمی‌تواند در خدمت گسترش و ژرفش جنبش قرار گیرد در عین حال چشم دوختن به اصلاح‌طلبان دولتی و محدود کردن سیاست‌های راهبردی و کاربردی احزاب و سازمان‌های مدافع آزادی و دموکراسی در چارچوب سیاست‌های اصلاح‌طلبان دولتی به گسترش و ژرفش جنبش واقعاً موجود منجر نمی‌شود. درک پیوند درون‌خیز سیاست کاربردی حمایت

### سنت روشنفکری اروپا

ادامه از صفحه ۱۲

گذشت. بالاخره باید تفهیم بشوند که محیط زیست را نمی‌توان از موضوع کار تفکیک کرد، همه تصمیم‌گیری‌ها باید، موانعی را که بر سر راه محیط زیست قرار دارد، پشت سر بگذارد.

تعم این شبه‌واژه‌های چون لیبرالیسم اجتماعی و بلرکوابی، زرقا بخشیدن به قدرت‌های حاکم در برابر جوامع انسانی است، در واقع اروپایی‌ها از تمدن خود شرمندند و دیگر اعتمادی به آن ندارند. این مهم به شکلی کاملاً آشکار از اقتصاد شروع می‌شود، ولی رفته رفته دامنه‌اش به عرصه‌های فرهنگی بسط پیدا می‌کند، اروپائیان شرمنده سنت‌های فرهنگی خویشند. در یک وضعیت تنهاکارانه‌ای زندگی می‌کنند که تحت عنوان دفاع از سنت‌های عقب مانده جدی تلقی می‌شوند و محکوم می‌گردند، در زمینه سینما و ادبیات و غیره نیز وضع به همین منوال است.

دکترسوا ما حامیان شرودر خود را مدرنیست و سایرین را سنت‌گرا می‌خوانند، چه استنباط مسخره‌ای. لیبرال‌های نو در فضا خنده سر می‌دهند که بطور در آلمان و کشورهای دیگر، سوسیالیست‌ها و سوسیال دموکرات‌ها با تعاریفی که ارائه می‌دهند گورش روشن را می‌کنند.

آنچه بخواهیم به مسئله فرهنگ بپردازیم، از این‌که جایزه نوبل به شما اهدا شد واقعا خوشحالم، برای این‌که از یک نویسنده ممتاز اروپایی تجدید به عمل آمد که ده‌ها سال با این مسئله، و به هر شکلی از هر نوع دفاع می‌کنند که برای برخی‌ها تکراری جلوه می‌کنند، علیه رمان شما «مسزعه وسیع» تحت این پوشش که این نوشته از نظر ادبی گفته شده جنگی به راه انداخته‌اند و همین‌طور در حال حاضر کماکان بسا وارونه جلوه دادن دست‌آورد‌های فرمالیستی، می‌خواهند رفته رفته هنر آنتاکارد و تاریخ مصرف گذشته و نامود کنند. در مجلس فرانسه بحث مفصلی دربارہ هنر معاصر در گرفت است که در اصل به استقلال هنر در برابر اقتصاد می‌پردازد.

آنچه که به جایزه نوبل مربوط می‌شود: من بدون این جایزه هم خیلی خوب زندگی می‌کردم و امیدوارم بتوانم با وجود آن هم به زندگی خود ادامه بدهم. برخی‌ها پس از دریافت جایزه گفتند «بالاخره» یا «خیلی دیر بود»، ولی من خوشحالم که این جایزه در دوران بلوغ سنی من، یعنی آن سوی هفتاد سالگی نصیب شد. اگر نویسنده جوانی جایزه نوبل دریافت کند، آن رایشه شکلی مزاحم تلتلی می‌کند، چون سطح انتظار را بالا می‌برد. ولی من، اکنون می‌توانم با این جایزه برخوردی طنزآلود داشته باشم و از دریافت آن خشنود باشم و بدین ترتیب مطلبی که به من مربوط می‌شد، کامل گشت. من فکر می‌کنم برای این که کنار گذاشته نشوم، خودمان پیشنهادی ارائه بدهیم. رسانه‌های بزرگ

باشد. تلاش سازنده در دولتی تأمین حقوق مردم و الزامات گسترش و ژرفش جنبش است.

اصلاح‌طلبان دولتی بخاطر مقام و موقعیت حساس و تاریخی که مردم ایران با رای خود نصیب آنها کرده است، در برابر مردم ایران و سرنوشت کشور نقش و مسئولیت سنگینی دارند. اگرچه نیروهای آزادی‌خواه، می‌توانند با اتخاذ سیاست‌های راهبردی و کاربردی درست، آنها را در امر ایجاد اصلاحات مترقی یاری برسانند ولی آنها را در برابر مردم ایران مسئول و پاسخگو هستند.

کوشش کسانی که همه ظرفیت‌های جنبش را در رهبری اصلاح‌طلبان درون دولتی خلاصه می‌کنند و سیاست راهبردی و کاربردی خود را در چارچوب رهبری آنها محدود می‌کنند، برای پیشرفت جنبش زیان‌بار است. اما کوشش آنان که می‌خواهند به دلیل وجود تناقضات و محدودیت‌های فکری، برنامه‌ای و جنبش اصلاح‌طلبان دولتی، و بدلیل ظرفیت بیشتر سیاسی چشم بر نقش و اهمیت این نیرو در حیات سیاسی کشور بربندند، زیان کمتری ندارد.

سیاست راهبردی و سیاست‌های کاربردی سنگره پنجم سازمان فدائیان خلق ایران بر مبنای دفاع از حقوق مردم ایران تدوین شده است. کسانی که در پی بهانه‌های مختلف از جمله بهانه توازن قوا، ناپدید می‌گردند، دچار خطای فکری و سیاسی خطرناکی هستند، برخی از رقفا و دوستان نظیر فرخ نگهدار و رضا جوشی، برنامه و اهداف خودشان را تا آنجا کاهش داده‌اند که حتی مبارزه و تلاش مسالمت‌آمیز در راه تشکیل دولت مدرن - دمکراتیک را، از برنامه خود حذف کرده‌اند. تشکیل دولت مدرن - دمکراتیک سال‌های درازی است که به آرزو و هدف ملی ایرانیان بدل شده است. فدائیان با صدای رسا باید بگویند که در راه تحقق این آرزو و هدف ملی مبارزه می‌کنند.

اقدامات مترقی اصلاح‌طلبان دولتی، بطور صریح و آشکار حمایت کنند، از سوی دیگر محدودیت‌ها و تناقضات فکری و برنامه‌ای و سیاسی آنها را بطور آشکار و روشن با آنها و با مردم در میان بگذارند. کاربرد سیاست یگانه‌اندستد و عدم حمایت آشکار و روشن از گام‌های مثبت و مترقی اصلاح‌طلبان دولتی به دلیل وجود تناقضات و محدودیت‌های فکری و سیاسی و اشتباهاتشان، نمی‌تواند در خدمت گسترش و ژرفش جنبش قرار گیرد در عین حال چشم دوختن به اصلاح‌طلبان دولتی و محدود کردن سیاست‌های راهبردی و کاربردی احزاب و سازمان‌های مدافع آزادی و دموکراسی در چارچوب سیاست‌های اصلاح‌طلبان دولتی به گسترش و ژرفش جنبش واقعاً موجود منجر نمی‌شود. درک پیوند درون‌خیز سیاست کاربردی حمایت

ادامه از صفحه ۹

هستند. تکیه بر مبارزات مردم و نیروهای آزادی‌خواه کشور از جانب اصلاح‌طلبان درون دولتی، از الزامات ایجاد اصلاحات مترقی - دمکراتیک است. بی‌توجهی به این نیروها و عدم تکیه بر آنها، ضربات سنگینی را نصیب اصلاح‌طلبان دولتی می‌کند.

برای گسترش و ژرفش جنبش واقعاً موجود در راستای گذار از استبداد به دموکراسی، برای گسترش و ژرفش فکر و فرهنگ و اندیشه سیاسی و راه‌کارهای مدنی - دمکراتیک، در جامعه، برای پالایش فکری و فرهنگی اصلاح‌طلبان دولتی در سمت فرهنگ و اندیشه سیاسی مدرن - دمکراتیک، ضرورت دارد که نیروهای مدرن - دمکراتیک کشور (اعم از نیروهای فکری - فرهنگی و سیاسی) در جامعه و مبارزات مردم حضور فعال داشته باشند. حفظ هویت فکری، برنامه‌ای و سیاسی و حضور فکری، فرهنگی و سیاسی مستقل مدافعان اندیشه سیاسی مدرن - دمکراتیک در داخل کشور، برای تداوم و گسترش و ژرفش جنبش واقعاً جاری در کشور، اهمیت حیاتی دارد. تلاش و مبارزه برای حضور فکری، فرهنگی و سیاسی فعال و مستقل سازمان در جامعه، کوشش برای اشاعه نظرات و آرا و برنامه و اهداف و سیاست‌های خود در میان مردم و جلب افکار و آرای مردم بسوی خود، تلاش برای همکاری و هم‌اندیشی سیاست‌ها و مبارزات نیروهای مدافع اندیشه مدرن - دمکراتیک با یکدیگر (اعم از نیروهای چپ ملی و ملی مذهبی) جزو پرسنی‌های ما و اجزای دیگری از سیاست‌های کاربردی ما است.

در عین حال، سازمان ما به مثابه نیروی آزادی‌خواه، دمکرات، عدالت‌جو با آرمان سوسیالیستی، با حفظ هویت و برنامه و سیاست مستقل خود، از آن بخش از افکار و برنامه و سیاست و حرکات اصلاح‌طلبان درون دولتی که در خدمت تضعیف استبداد و خشنونت و تضعیف و طرد نیروهای خشنونت‌طلب و افراطی جناح محافظه کار و در خدمت گشایش بیشتر فضای سیاسی و تأمین حقوق مدنی - دمکراتیک شهروندان و مردم ایران قرار می‌گیرد، حمایت می‌کند.

در لحظه کنونی، برای تضعیف استبداد و خشنونت، برای طرد نیروهای افراطی جناح محافظه کار از اربکه قدرت بخاطر تداوم و گسترش جنبش آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبان جاری، ضروری است که آزادی‌خواهان کشور، از یکسو از تلاش برای قطع این پیوند، از جانب هر نیروی سیاسی و با هر نیتی

## اتریش نا آرام است



### اعتراض گسترده مردم بر علیه ائتلاف محافظه کاران و نئونازی‌ها!

اتریشی‌ها، خارجی ستیزی، تقدیر از سیاست اقتصادی هیتلر، با پرنسب دانستن افسران «اس» و سیاست ضد اتحادیه اروپا آرای این حزب را طی انتخابات پارلمانی اتریش در پائیز گذشته به ۲۶/۹ درصد رسانید.

اتریشی‌ها، خارجی ستیزی، تقدیر از سیاست اقتصادی هیتلر، با پرنسب دانستن افسران «اس» و سیاست ضد اتحادیه اروپا آرای این حزب را طی انتخابات پارلمانی اتریش در پائیز گذشته به ۲۶/۹ درصد رسانید.

در ماههای پایانی سال گذشته انتخابات پارلمانی اتریش برگزار شد. حزب سوسیال دمکرات با ۳۳/۱ حزب محافظه کار «مردم» به رهبری «ولفگانگ شوسل» ۲۶/۹

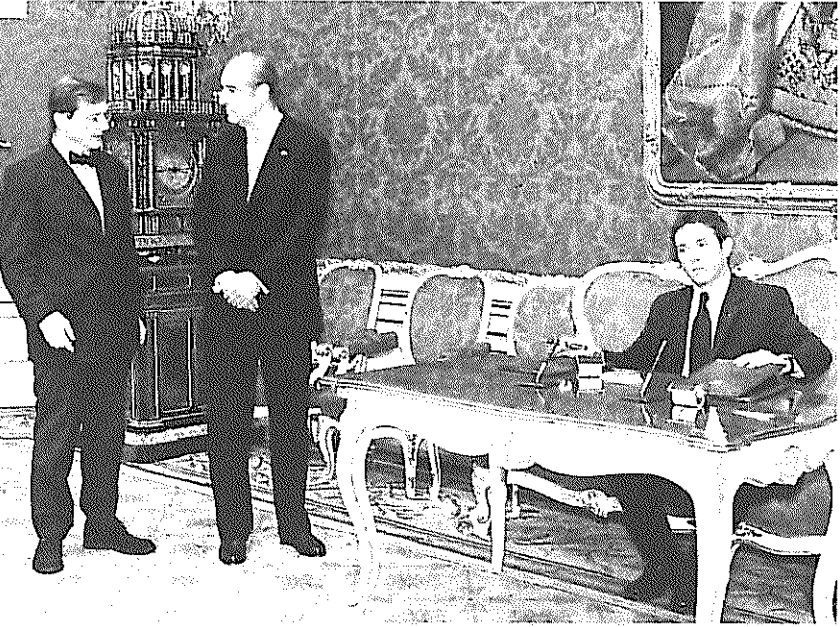
پس از توافق نهایی در حزب «مردم» و «آزادی» برای تشکیل یک دولت ائتلافی، هفته گذشته هزاران تن از مردم اتریش در برابر ساختمان مرکزی حزب «مردم» این کشور در وین دست به تظاهرات زدند و مخالفت خود را با ائتلاف این حزب با حزب نئونازیست «آزادی» اعلام کردند.

از هیتلر تا هایدلر نازی‌های بازمانده از جنگ دوم جهانی حزب آزادی «FPÖ» را بنا نهادند. با استفاده دولت اقلیت حزب سوسیال دمکرات اتریش به رهبری «برونو

حزب آزادی ۲۶/۹ و حزب سبزه‌ها ۷/۴ درصد از آرا را به خود اختصاص دادند. پس از انتخابات رهبر حزب مردم اعلام کرد: رای بسیار بالای حزب «آزادی» نشانه شکست ائتلاف دو حزب بزرگ سوسیال دمکرات و محافظه کار است و این حزب دیگر دست به ائتلاف با سوسیال‌دمکرات‌ها نخواهد زد. این اظهار نظر از یک سو آغازگر یک بن‌بست سیاسی چهارماهه برای تشکیل دولت جدید و از سوی دیگر زمینه‌ساز ورود «هایدلر» به دولت گردید.

مذاکرات حزب «مردم» و «آزادی» برای تشکیل دولت ائتلافی واکنش‌های وسیع بین‌المللی با خود به همراه آورد و رابطه دیپلماتیک بسیاری از کشورها با اتریش رو به سردی گرفتند.

«جو لاکهارت» سخنگوی کاخ سفید گفت: در صورت ورود حزب «آزادی» در دولت اتریش، آمریکا روابط خود با این کشور را مورد بررسی مجدد قرار خواهد داد. روز جمعه گذشته سفیر آمریکا در وین «مورتا» برای مشورت به واشنگتن فرا خوانده شد. «وسلی کلارک» سرفرمانده نیروهای ناتو مسافرت خود به اتریش را لغو نمود. «ناتان مرون» سفیر اسرائیل نیز همزمان با ادای سوگند دولت جدید خاک اتریش اتحادیه اروپا اعلام کردند: در صورت مشارکت حزب «آزادی» در دولت، روابط دو جانبه با اتریش را تا پایین‌ترین سطح ممکن تنزل خواهند داد. دولت بلژیک مسافرت یک هیئت بلند پایه به اتریش را به تعویق



### کونتر هایدلر نشسته: یک نئونازی در کاخ ریاست جمهوری اتریش!

ملحق شده است. در این سند بویژه تاکید شده است که اتریش مسئولیت تمامی اعمال مثبت و منفی اتباع خود در جنگ جهانی دوم را بر عهده می‌گیرد و برای جبران عواقب سوء آن تلاش می‌کند. همچنین دولت اتریش متعهد می‌شود که از هرگونه خارج ستیزی، یهودی ستیزی و برخوردهای تبعیض آمیز یا اتباع بیگانه و اقلیت‌های قومی و مذهبی ممانعت به عمل آورد. امضای چنین دیپلماتیک در هنگام تشکیل هیچ دولت دیگری در اتریش سابقه نداشته است.

«هایدلر» در کابینه حضور ندارد و کماکان به عنوان فرماندار ایالت جنوبی و رهبر حزب باقی می‌ماند. لیست وزرای پیشنهادی «هایدلر» برای کابینه بارها تصحیح شد.

«اورزولا هابوینر» خواهر «هایدلر» که بعنوان وزیر امور اجتماعی پیشنهاد شده بود نیز از لیست حذف گردید.

اتریش تاکنون بهای سیاسی سنگینی را برای شهوت به صدارت اعظمی رسیدن «ولفگانگ شوسل» محافظه کار پرداخته است. امروز همه چشما به اتریش دوخته شده است. اگر «هایدلر» به عرصه‌های فاشیستی خود ادامه دهد، دامنه خسارات از محدوده سیاسی خارج و می‌تواند حتی به عرصه «تحریم» اقتصادی نیز کشیده می‌شود.

مسی‌گویند: مرز بالکان از ایستگاه راه‌آهن در شرق وین شروع می‌شود. اگر دندنان‌های «هایدلر» کشیده نشوند آنوقت مرز بالکان به غرب اتریش منتقل می‌شود.

چیزهای هولناکی از آلمان‌ها فرابردند و برعکس.

من در کتاب «قرن من» پرسواری را تصویر می‌کنم که هنگام تدریس روزهای چهارشنبه خود را این‌گونه تالیف روشنفکر ستیزی مدرن می‌سازد، چندان خوش آیند نیست. یکی از روسای جمهور فرانسه مدالی بر کمرش یونگر آویخته، و آن واقعه‌ای هولناک بود.

اما این داستان لیکنتشت. برای من این مهم بود که از یک سو لیکنتشت جوانان را تهییج می‌کرد - یک جنبش مترقی تحت عنوان سوسیالیسم راهوار می‌کرد - و هم زمان پدر با شور و شوق خاص خود متوجه نمی‌شد که پسر می‌خواهد از روی شانه پدر پایین بیاید. وقتی پسر برگردن او ادرار می‌کند تنبیه می‌شود. این رفتار اختیاری بدانجا می‌انجامد که در آغاز جنگ جهانی اول پسر به دلخواه وارد جنگ می‌شود و دقیقاً کاری می‌کند که لیکنتشت نسبت به عواقب آن هشدار داده بود. ولی آن چه که به یونگر و هایدلر مربوط می‌شود: شاید می‌توانست برای روشنفکران مشتاق فرانسوی جالب باشد تا برای یک‌بار هم که شده تجارب روشنگران آلمانی را بشناسند. آن وقت‌ها که فقط دیده‌رو و ولز نبودند، بلکه لنین و لیستنیگ هم وجود داشتند. افزون بر این روشنگران بسیار خردمندی هم بودند که تاثیر نهایی آنها بیشتر مورد پسند فرانسوی‌ها است تا شخص یونگر.

ازتس کاسپریر وارن بسزر روشنگری فقط موفقیتی متواضعانه داشت، در حالی که مخالف او هایدلر آگاهی مستردهای را باعث شد. مردم اغلب براضرطی تاکید دارند تا می‌آید بر مبنای توطئه‌های تاریخی، فرانسوی‌ها

موقعیت‌های متفاوت میان دانشجویان خرد بورژوا و بورژوا برداشتم. در دانشجویان بورژوا رادیکالیسم سیاسی بیشتر مشهود بود، در حالی که دانشجویان بر خاسته از خانواده‌های خرد بورژوا یا بهتر بگویم کارگری، اصلاح طلب و محافظه کار می‌بودند.

اغلب فرزندان خانواده‌های مرفه، که من آنها را برانگیزانند می‌نامم، جرات نمی‌کردند اختلاف با پدرانشان را به بیرون بسط بدهند، چون در آن صورت منبع مالی آنها قطع می‌شد.

در سال ۱۹۶۸ یک مبارزه طلبی نمادین، انقلابی هنری وجود داشت که به ظاهر بسیار افراطی جلوه می‌کرد، سمت دیگر کسانی بودند که پیشنهادات مستعدی ارائه می‌دادند تا سیستم آموزشی و ورود به دانشگاه‌ها را دگرگون سازند. آن وقت‌ها کسانی که از سوی همان اشخاص به عنوان اصلاح طلب به استهزا گرفته می‌شدند، خود محافظه کار از آب درآمندی.

طی سال‌های ۱۹۷۰ در آلمان و کشورهای اسکندیناوی پیشی رشد کرد، که اگر اقتصاد کماکان به چپاول هسته اصلی آن ادامه بدهد، باعث تخریب محیط زیست خواهد شد. جنبش محیط زیست پدید آمد. اما احزاب سوسیالیست و سوسیال دمکرات تنها به مسائل اجتماعی قدیمی بها می‌دادند و محیط زیست را نادیده می‌گرفتند و یا تا حدودی خصمانه می‌انگاشتند، که این سیاست هنوز هم کم و بیش دنبال می‌شود. اگر از لیبرال‌های نو انتظار داشته باشیم که از قابلیت‌های روشنفکری خود بهره بگیرند و سر عقل بیایند، آن وقت همین انتظار را باید با جناح چپ هم در میان ادامه در صفحه ۱۱

## سنت روشنفکری اروپا

### برگردان: جاهد جهانشاهی

#### قسمت پایانی

بی‌بربردی: متاسفانه باید شرایط ویژه‌ای دست به دست هم بدهند تا دست‌اندرکاران کثمتان‌ها، نویسندگان، هنرمندان و پژوهشگران بتوانند دوباره ابزار تولید خود را از آن خویش سازند. من کاملاً آگاهانه با زبانی قدیمی از سراسر کسب سخن می‌گویم. امروزه شخصیت‌های اهل کلام نه‌کنترلی بر روی ابزار تولید و نه راه‌های فروش آن دارند، آنها ناچارند در خود فرو بروند و در گور دراه‌ها طی می‌کنند.

گوتلر گراس: منظور من این نیست که فقط به گلابه بپردازیم، ما همیشه در اقلیت بودیم، وقتی انسان خود را در روند تاریخ می‌نگرد، حیرت می‌کند که از این اقلیت چه تعدادی را می‌تواند به حرکت وادارد. البته برای شنیده شدن صدایمان باید تدابیری اندیشید. به عنوان مثال به عنوان یک شهروند مجبورم تابلوی اصلی نویسندگان با عنوان «لطفاً» تکرار نکنید! را نادیده بگیریم. انسان باید در سیاست درست مثل یک طوطی موضوعی را که ثابت شده است، مدام تکرار کند و چه بسا رفتاری ملال آور است، چون مجبور است همواره به انعکاس گفته‌های خود گوش بدهد. ولی ظاهراً این کار لازم است تا کلا در جهان آوایی، در گوش شنوندای بیاییم.

آن‌چن من در اثر شما تحسین می‌کنم، جستجوی شما در راستای ابزار

بیان است که می‌توانید انتقادی و ویرانگر به طیف وسیع خوانندگان خود انتقال دهید. به هر جهت من بر این باور هستم که شرایط کنونی بسیار متفاوت‌تر از قرون روشنفکری است. زمانی دایره‌المعارف سلاحی بود، وسیله ارتباط جمعی بود بر ضد مخالفان یا روشنفکری. امروزه ما باید علیه پدیده کاملاً جدیدی از مخالفت با روشنفکری مبارزه کنیم.

● کماکان به عنوان اقلیت.

آن وقت‌ها نیروهای طرف مقابل به طور غیر قابل مقایسه‌ای ضعیف‌تر بودند. امروزه با رسانه‌های چند ملیتی نیرومند سوکار داریم، خواهی نخواهی جایزیر کوچکی در امان می‌مانند. ملاد در عرصه نشر چاپ آثار با مشکلات مواجه می‌شود و یا کتاب‌های انتقادی بی‌سوسه کمرکاری پیدا می‌کنند و امر من گفتگو با شما را حائز اهمیت می‌یابم، به این فکر فرو می‌روم تا شکل‌های جدیدی پیدا کنم که با آن بیامی پدید بیاید و این داده‌ها انتقال داده شوند. به جای مبدل شدن به ابزار دست تلویزیون، باید به شخمه تلویزیون را به ابزار تقاضای تبدیل کنیم و در خدمت کسانی که ما طرف گفتگویشان هستیم.

● فضای بازاری محدود است و افزون بر این چیزی که مرا به حیرت وامی‌دارد: من هرگز فکر نمی‌کردم روزی خواستار نظم اجتماعی بیشتر باشم، ما همیشه در آلمان زیاد از حد نظم اجتماعی داشتیم و مقدم بر همه دولت متکی بر نظم اجتماعی، ولی اکنون از زیاده‌روی دیگری

در آوردم. لیبرالیسم نو بی‌آن که بخواهد از نظر ایدئولوژیک کاری انجام دهد، درخواست‌های موهوم هرج و مرج طلبان را تقبل کرده تا خارج شده‌اند و از هنوز وارد عرصه کار نشده‌اند - و اگر اقتصاد ابعادی گسترده پیدا کند و در برابر هر مسئولیتی بر آغوش یکپارچگی جهانی پناه ببرد، در آن صورت باید نظم اجتماعی و سپس جامعه درباره دولت و رسیدگی به امور تدبیری بیاندیشد، مسئولیت‌ناپذیری اصل ثابت سیستم لیبرالیسم نو است.

● شما در کتاب «قرن من» یک سلسله رویدادها را در خاطر زنده کرده‌اید، مثلاً داستان پسر جوانی که به راهب‌های لیکنتشت برده می‌شود و سپس بر این کردن پدرش خرابکاری می‌کند. من نمی‌دانم این یک خاطره شخصی است یا نه، ولی در هر صورت سوسیالیسم را به شوه خاص خود کشف می‌کند. یا چیزی که شما درباره ریمارک جوان گفته‌اید: در لایبای سطرهای چیزهای بسیاری درباره نفس روشنفکرها هست که مستقیماً بارویدادهای قبیح همدست می‌شوند و نیز تفاوتان درباره هایدلر به بنظر بسیار زیبا بود و من به بیان زیبای آن شما، کتابی انتقادی هدیه کرده‌ام.

● مثلاً این چیزی است که مرا سرگرم می‌کند: اشتیاقی از سوی روشنفکران فرانسوی نسبت به یونگر و هایدلر می‌شود، چون آن دو هم تصورات کلیه‌ای که به شکل‌های گوناگون از آلمان و فرانسه دارند، تأیید می‌کنند و همه این چیزهای دگرگرفته‌ای که پیامدهای شومی داشتند، در فرانسه تحسین می‌شوند، و این چیزی جز پوچی نیست.

● چون اسرارآمیز بودن هایدلر برای